


The Lived Experiences of Female Senior High School Students Regarding the Challenge of Removing Hijab on the way to School (a phenomenological study)

Mohammad Hussein Bahrami¹ 

1. PhD of Curriculum Studies, Farhangian University, Mashhad, Iran. E-mail: mhb_bahrami@yahoo.com

Article Info	ABSTRACT
<p>Article type: Research</p> <p>Pp. 51-80</p>	<p>Objective: The purpose of the current research was to evaluate the lived experiences of senior high school girls from the challenge of removing hijab on the way to school.</p> <p>Method: it was based on qualitative approach and descriptive phenomenological method. A semi-structured interview was used to collect the data and thematic analysis was used to analyze the research data.</p> <p>Findings: In this study, ten general themes were placed in three central dimensions, including the incorrect perception of the value of the hijab, resorting to the value of the hijab, and inducing the thinking that the hijab hinders freedom. Also, the dimensions of cultural, social and personal and family contexts based on the facilitation of the phenomenon of hijab and the dimensions of being understood instead of being rejected, the lack of explanation and the desired enlightenment as well as neglecting practical models and sloganeering based on the fact that the phenomenon of hijab is inhibiting were identified.</p> <p>Conclusion: based on the findings of this research, it can be concluded that facing the challenge of removing hijab by students on the way to school requires a change in the view of executive bodies on hijab, and it is necessary to avoid taking superficial positions and hasty approaches. It must be replaced by explanation and enlightenment. There is also a need to create culture in the context of the real needs of students and the young generation by the general public and beneficiaries, and to use the potential of social, educational, media and even political institutions. If the existing procedure regarding the phenomenon of students' hijab and the young generation continues and the process of facing it is neglected, It will cause a deeper gap in the near future.</p>
<p>Article History:</p> <p>Received 26 May 2023</p> <p>Revised 11 June 2023</p> <p>Accepted 01 August 2023</p> <p>Published 20 August 2023</p>	
<p>Keywords</p> <p>Lived Experiences, Female Students, Removing Hijab, Phenomenological</p>	
<p>Cite this article</p>	<p>Bahrami, M. H. (2023). The Lived Experiences of Female Senior High School Students Regarding the Challenge of Removing Hijab on the way to School (a phenomenological study). <i>Applied Issues in Islamic Education</i>, 8 (2), 51-80. http://doi.org/000000000000000000</p>
	<p>© The Author(s). Publisher: Academy of Scientific Studies in Education. DOI: http://doi.org/000000000000000000</p>



تجارب زیسته دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم دختر از چالش کشف حجاب در مسیر مدرسه (یک مطالعه پدیدارشناسانه)

محمدحسین بهرامی^۱

۱. دکتری مطالعات برنامه درسی دانشگاه فرهنگیان، مشهد، ایران. [رایانامه: mhb_bahrami@yahoo.com](mailto:mhb_bahrami@yahoo.com)

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	هدف: هدف از اجرای پژوهش حاضر، احصاء تجارب زیسته دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه از چالش کشف حجاب در مسیر مدرسه است.
صص. ۵۱-۸۰	روش: روش پژوهش؛ مبتنی بر رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی از نوع توصیفی است. برای گردآوری داده‌ها، از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده و برای تحلیل داده‌های پژوهش، از تحلیل مضمون بهره گرفته شد. در این مطالعه، ده مضمون کلی در سه بُعد محوری شامل؛ برداشت ناصواب ارزش حجاب، دستاویز کردن ارزش حجاب و القاء تفکر حجاب مانع آزادی جای گرفتند. هم‌چنین ابعاد زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و شخصی و خانوادگی مبتنی بر تسهیل پدیده حجاب و ابعاد درک شدن به‌جای طرد شدن، عدم تبیین و روشن‌نگری مطلوب و مغفول بودن الگوهای عملی و شعارزدگی مبتنی بر بازدارنده بودن پدیده حجاب شناسایی شد.
تاریخچه مقاله	یافته‌ها: بر اساس یافته‌های این پژوهش می‌توان استنتاج کرد که مواجهه با چالش کشف حجاب دانش‌آموزان در مسیر مدرسه مستلزم تغییر نگاه دستگاه‌های اجرایی به مقوله حجاب است و باید از مواضع برخورد‌های سطحی و شتاب‌زده دوری کرده و مسیر تبیین و روشن‌نگری را جایگزین ساخت. هم‌چنین نیاز است که در زمینه نیازهای واقعی دانش‌آموزان و نسل جوان، توسط جامع عمومی و ذی‌نفعان، فرهنگ‌سازی شده و از پتانسیل نهادهای اجتماعی، آموزشی و رسانه‌ای و حتی سیاسی بهره‌گیری شود.
دریافت ۰۵ خرداد ۱۴۰۲	نتیجه‌گیری: از بررسی‌های به‌عمل آمده این نتیجه حاصل می‌شود که چنان‌چه رویه موجود در رابطه با پدیده حجاب دانش‌آموزان و نسل جوان تداوم یابد و به فرایند مواجهه آن کم‌توجهی شود؛ موجب شکاف عمیق‌تری در آینده نزدیک خواهد شد.
بازنگری ۲۱ خرداد ۱۴۰۲	
پذیرش ۱۰ مرداد ۱۴۰۲	
انتشار ۲۹ مرداد ۱۴۰۲	

تجارب زیسته، دانش‌آموزان دختر، کشف حجاب، پدیدارشناسی.

کلید واژه‌ها

بهرامی، محمدحسین (۱۴۰۲). ۱. تجارب زیسته دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم دختر از چالش کشف حجاب در مسیر مدرسه (یک مطالعه پدیدارشناسانه). *مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۸ (۲)، ۵۱-۸۰.
<http://doi.org/00000000000000000000>

استناد



© نویسندهگان.

ناشر: پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.

مقدمه

پوشش همواره یکی از مسائل اساسی انسان است که برای زنان و مردان در سطح جامعه مطرح می‌شود (احمدپور، ۱۴۰۱: ۱۸۵). حضور اجتماعی افراد باعث می‌شود موضوع پوشش به صورت مسئله‌ای ویژه با وسعت و گستردگی خاص مطرح شود؛ چنان‌که می‌توان این موضوع را یکی از حساس‌ترین مسائلی دانست که جامعه کنونی ایران؛ اکنون با آن مواجه است (کلانتری و تقدسی، ۱۴۰۰: ۴۳). پوشش به مثابه شیوه رفتار متأثر از ارزش‌های فرهنگی هر شخص است (آروان و ویردانی^۱، ۲۰۲۰: ۱۲۲). از این رو نوع پوشش، انواع گرایش‌های مذهبی، سیاسی و حتی قومی افراد را نشان می‌دهد و در ساختن نظام معنایی^۲ برآمده از ارزش‌های حاکم نیز نقش مهمی ایفاء می‌کند (سالاری‌فر، بیاتی و سالاری‌پور، ۱۳۹۶: ۱۰۵). پوشش، شأنی از شئون انسان و پدیده‌ای است که تقریباً به اندازه طول تاریخ بشر، سابقه و به قدر پهنه جغرافیای زمین، گسترش داشته و تحت تأثیر فرهنگ و معرفت شخصیت افراد است (شاه‌سنایی و طباطبایی، ۱۳۹۶: ۹۰). موضوع پوشش لباس در واقع در بستری از روابط اجتماعی شکل می‌گیرد که چارچوب مسائل زنان در ابعاد مذهبی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مؤثر است (پورحسن درزی، ۱۳۹۹: ۸۴). پوشش افراد به مثابه کنش اجتماعی است و فرد کنش‌گر برای آن معنایی ذهنی و ارزشی نمادین قائل است. کنش او در ارتباط با دیگران در عرصه ارتباطات میان فردی و تحت تأثیر دریافت انتظارات دیگران در حوزه عمومی است (هوانگ و کیم^۳، ۲۰۲۱: ۱۷۶).

حجاب، در معنای عام پوششی است که فرد را از جلوه‌گری و خودنمایی دور کرده و به نحوی موجب تجسم و بازتاب بیرونی عفاف شناخته می‌شود. در حوزه جهان اسلام براساس آیات، روایات و احکام، مسئله رعایت حجاب، یک آموزه و دستور دینی است. قرآن کریم تمایل به رعایت حریم عفاف و حجاب، به ویژه پوشیده بودن را از امور فطری و درونی انسان می‌داند که از آغاز خلقت آدم و حوا در نهاد انسان به ودیعه گذاشته شده است (سعیدی رضوانی و غلامی، ۱۴۰۱: ۱۵۵). در کشور ما نیز مسئله رعایت حریم عفاف، و به ویژه حجاب، به عنوان یکی از ارزش‌های دینی، عرفی و انقلابی جمهوری اسلامی ایران است که با تربیت دینی عجین شده است؛ البته خاطر نشان می‌شود بحث رعایت حریم عفاف و حجاب هم در خصوص آقایان و هم بانوان مصداق پیدا می‌کند و قرآن نیز بر این امر تکیه دارد (سلمان‌پور، ۱۴۰۰).

حجاب به مثابه رسانه‌ای ارتباطی و به عنوان کنشی اجتماعی، از یک سو تحت تأثیر ساختارهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است و از سوی دیگر متأثر از کنش‌گران زن و مرد در ابعاد مذهبی، منزلتی و شخصیتی است. ارتباطات نمادین، پایه و اساس تمامی کنش‌های اجتماعی شناخته شده است (تیم^۴، ۲۰۱۸: ۱۱۸). حجاب به عنوان ارتباط نمادین صرفاً به مقوله پوشش بدن تقلیل نمی‌یابد؛ بلکه شامل زبان بدن، مدیریت بدن، آرایش بدن و زبان اشیاء در عرصه ارتباطات غیر کلامی نیز می‌شود که ممکن است در شرایط اجتماعی و فرهنگی دارای شکل و قالب متنوع با جوهر یکسان یا به عکس

1. Aruan & Wirdania
2. Semantic system
3. Hwang & Kim
4. Thimm

باشد (دشتی، معینی، شهرآبادی، بیرانوندپور و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۳). بنابراین به‌عنوان یک مسئله اجتماعی؛ ضروری است مورد شناخت علمی قرار گیرد.

بر اساس اسناد بالادستی از جمله برنامه‌درسی ملی و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰)، یکی از اهداف کلان نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، تربیت انسان‌هایی با ویژگی‌هایی هم‌چون مؤمن و متخلق به اخلاق اسلامی در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی است که در تمام سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها باید مورد توجه قرار گیرد. حیات طیبه به‌عنوان آرمان تعلیم و تربیت تمام ساحتی، مستلزم نگاه ویژه به ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی است (زهروی، ۱۳۹۹). مدرسه و برنامه درسی مهم‌ترین مرکز رویش ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و اجتماعی است (هاشمیان، ۱۴۰۰: ۱۶۶). اگرچه مسئله حجاب و عفاف به ظاهر یک مسئله کهن و تکراری است، اما مرزهای دینی و فرهنگی آن یکی از مباحث مهم در حوزه مطالعات فرهنگ دینی و اجتماعی است (کریمی ثانی و کاظم‌پور دیزجی، ۱۴۰۰: ۲). مدارس، مراکز تعلیم و تربیت و تزکیه‌اند. آموزش عملی احکام دینی، بخشی از وظایف معلم و دانش‌آموز را تشکیل می‌دهد. توصیه، بدون تعلیم و تربیت، پوشش دینی را به دستوری خشک و تحمیلی مبدل می‌سازد، ولی توصیه همراه با معرفت، پذیرش آن را آسان می‌کند (سعیدی رضوانی و غلامی، ۱۴۰۰: ۴۳). آن‌گاه که پوشش دینی در محیط‌های اجتماعی و پس از پایان آموزش عمومی، به شکل فرهنگ پذیرفته شده درآید؛ رسمیت علمی پیدا می‌کند. هرچند که نهاد اجتماعی مدرسه، برای انتقال ارزش‌ها به نسل نوجوان، مثمر ثمر است (زاهدیان و صدری ارحامی، ۱۳۹۹). باید توجه داشت که کانون خانواده به‌عنوان نخستین و کوچک‌ترین واحد تشکیل‌دهنده جامعه و مهم‌ترین تأثیرگذارترین نهاد در فرهنگ‌سازی و انتقال مفاهیم فرهنگی است. حجاب‌مندی فرزندان نوعی انتقال بین نسلی است؛ بنابراین لازم است به خوبی مبتنی بر احکام الهی و هم‌چنین هنجارهای اجتماعی و فرهنگی تفسیر و تبیین شود (عسگری یزدی و موسوی، ۱۳۹۹: ۱۸).

حجاب در جامعه ما از موضوعات بحث‌برانگیز و دامن‌دار بین طیف‌هایی از کنش‌گران است (ظهیری‌نیا، رستگار و پاشا امیری، ۱۳۹۷: ۱۲۵). اگر چه اهمیت رعایت حجاب و حدود پوشش بنابر نظام اسلامی جامعه، امری ضروری است اما طی سالیان اخیر، الگوی پوشش در بین دختران همواره در حال تغییر بوده به‌نحوی که در بسیاری از موارد با معیارها و هنجارهای اجتماعی چندان مطابقت نداشته است (محمودی یگانه، ۱۳۹۹: ۳). بی‌حجابی، پدیده‌ای اجتماعی است که برای رسیدن به عوامل آن باید با نگاهی اجتماعی مسئله‌ها و زمینه‌های آن را دید (نعمتی‌فر و صفورایی پاریزی، ۱۳۹۸). یکی از بزرگ‌ترین معضل‌های کشور ما کم‌رنگ شدن تدریجی نگاه اجتماعی به پدیده بی‌حجابی است (میرجلیلی و گل محمد، ۱۳۹۸: ۱۹۸). عدم رعایت موازین پوشش در برابر الگوهای مسلط در جامعه بیان‌گر عمق چالشی است که حاکمیت در زمینه پوشش طی سالیان اخیر با آن روبه‌رو بوده است (کلانتری و تقدسی، ۱۴۰۰: ۴۲). بنابراین «بدحجابی» و نگرانی از رواج آن در جامعه همواره یکی از موضوعات و مسائل اجتماعی است که در جامعه ما مطرح است.

تبیین صحیح ضرورت و نقش حجاب در اجتماع، زمینه‌های توسعه و ترویج آن با مشارکت همه مردم فراهم می‌شود. اگر دانش‌آموزان با فواید و فلسفه وضع این پدیده از منظرهای مختلف دینی، عقلی، علمی،

روانی و حتی زیباشناختی آشنا شوند؛ گرایش رعایت مطلوب آن افزایش می‌یابد (درزی، جعفری هرندی و موسوی، ۱۳۹۸). مهاجم سبک‌های پوشش غربی و غیر اصیل در بین زنان و دختران جوان و گسترش آن در برخی مدارس متوسطه دخترانه بخشی از جامعه را تهدید کرده است. اگرچه تغییر ظاهر و بهره‌مندی از نمادها برای اعتراض نسبت به سیاست‌های دولت همواره امری طبیعی در جوامع، به‌ویژه کشورهای غربی بوده است (بلاگارد^۱، ۲۰۱۹ و کروچر^۲، ۲۰۰۸). اما تغییر نگرش نسبت به عفاف و بی‌توجهی نسبت به مقوله حجاب، امری نگران‌کننده و قابل تأمل است؛ که در میان نوجوانان مشاهده شده است. از این‌رو دریافت نگرش و گرایش دانش‌آموزان نسبت به لزوم رعایت یا عدم رعایت حجاب کمک شایانی به برنامه‌ریزی جامع در مورد این پدیده می‌کند. بنابراین، این پژوهش به‌دنبال پاسخ به این پرسش است که برخی از دانش‌آموزان دختر متوسطه چه نگاه و تصویری نسبت به مفهوم حجاب دارند و این نگاه چه دلالت‌های معنایی دارد؟

مطالعات پیشین

مرور پژوهش‌های انجام‌گرفته، نشان‌دهنده آن است که در بیش‌تر پژوهش‌های داخلی رویکرد حاکم بر مطالعات حجاب دانش‌آموزان دختر از نوع کمی بوده و با متغیرهای ثانویه دیگری گره خورده است (برای مثال احمدپور، ۱۴۰۱؛ کریمی‌ثانی و کاظم‌پور دیزجی، ۱۴۰۰؛ کلانتری و تقدسی، ۱۴۰۰؛ سلمان‌پور، ۱۴۰۰؛ حکمت و فولادچنگ، ۱۳۹۹؛ نعمتی‌فر و صفورایی پاریزی، ۱۳۹۸؛ دشتی و همکاران، ۱۳۹۵ و زارعی توپخانه، مرادیانی گیزه‌رود و هراتیان، ۱۳۹۳) این درحالی است که مسئله حجاب به‌خصوص برای نوجوانان که در حال شکل‌گیری هویت شخصی هستند، دغدغه‌ای مبتنی بر باورها و ارزش‌هایی در حال نمود است که دست‌یابی به آن، مستلزم فهم عمیق است. این پژوهش‌ها با در نظر گرفتن متغیرهایی چون نقش خانواده و فضای مجازی به‌دنبال ترسیم رابطه برای تبیین کم‌حجابی یا بی‌حجابی نوجوانان بوده و البته نگاهی گسترده بر علل آن از زبان ذی‌نفعان را ترسیم و بیان نکرده‌اند.

مهدوی و سیدشرافت (۱۳۹۷)، در پژوهشی با عنوان اندازه‌گیری و مقایسه نگرش به حجاب و هوش معنوی در بین دانشجویان متأهل و مجرد با هدف تحلیل نوع نگرش‌ها به حجاب و فرهنگ بیان داشتند که حجاب فرصتی را برای شکوفایی زنان فراهم کرده و عدم محدودیت را به‌همراه دارد. از این‌رو فرهنگ‌سازی در خصوص حجاب را میان ورزشکاران زن پیشنهاد داده‌اند. این در حالی است که تبیین علل کشف حجاب میان ورزشکاران زن در میدان‌های بین‌المللی صورت نگرفته و نگاهی جامع به تصور و نگرش و باورهای زنان در خصوص حجاب احصاء نشده است. سعیدی رضوانی و غلامی (۱۴۰۱)، در بررسی رویکرد کیفی و روش پدیدارشناختی در انتقال آموزه‌های ارزشی، دینی و اخلاقی نظیر حجاب، استفاده از ابزارهای هنری نظیر کتاب، نتایج مؤثر و ارزشمندی را به‌همراه داشت. مطالعه امینی زرین و ربانی (۱۴۰۲) نشان داد که آسیب‌های آموزشی-درسی، عرفی-اجتماعی، پرورشی-تربیتی، روانی-عاطفی، حاکمیتی-قانونی، فرهنگی-هویتی و فلسفی - اعتقادی آسیب‌هایی است که لازم است مورد توجه سیاست‌گذاران این حوزه قرار گیرد.

1. Blaagaard
2. Croucher

مروری بر مطالعات خارج از کشور نشان داد که پژوهش‌هایی مانند (کارامان^۱ و کریستین، ۲۰۲۰) و (رابینسون^۲، ۲۰۱۶) اذعان دارند که حجاب در کالج و دانشگاه‌ها به‌عنوان سمبلی برای ادیان مذهبی بدل شده و نگرش و تصور عمیقی نسبت به بهره‌گیری از آن در اذهان عمومی وجود ندارد و صرفاً به‌عنوان یک نماد برای پیروی ادیان مذهبی است (فانی، محتشمی، کرمخانی و عبدالجباری^۳، ۲۰۲۰). در پژوهشی با عنوان روند رویارویی دانشجویان با حجاب به بررسی ارزش‌های فردی و فرهنگی و باورهای شخصی در خصوص مسئله حجاب، پرداخته‌اند. تغییر و دگرگونی ارزش‌ها برای دانشجویان منجر به تغییر رفتارهای نهادینه شده و عملاً پدیده حجاب نیز همانند یک عنصر دچار تغییر و تحول شده است. فانی تصور دارد که حجاب تنها وابسته بر یک فرهنگ اجتماعی بنا شده است. بنابراین مانند هر هنجار پذیرفته شده، می‌تواند در طی سالیان دچار تغییر و تحول شود.

گرین و سعید^۴ (۲۰۲۱)، در پژوهشی با عنوان آیا حجاب یک گرایش مدگرایانه است؟ به بررسی علل حجاب زنان در مالزی پرداخته و گزارش کرده است که رعایت حجاب در میان غیرمسلمانان بیش‌تر به علت یک خلاقیت صنعت مد رشد یافته، این در حالی است که در زنان مسلمان عمدتاً مبتنی بر علل ارزش و باور دینی، فرهنگی، اجتماعی و غیره استوار بوده است.

نوزیمووا^۵ (۲۰۱۶)، در پژوهشی با عنوان حجاب در جامعه تاجیک در حال تغییر در خصوص حجاب زنان در کشور تاجیکستان عنوان می‌کند که گرایش برخی افراد به سوی بدحجابی و بعضاً بی‌حجابی صرفاً به‌دلیل جو اجتماعی حاکم بر کشور بوده و تقلید فرهنگ غربی به‌ویژه در رابطه با صنعت مد و لباس و تقاضای اجتماعی؛ بوده است.

با مرور مطالعات پیشین در خصوص پدیده حجاب، چنین استنتاج می‌شود که درک و فهم عمیق در خصوص پدیده حجاب به‌ویژه در میان نسل جوان و دانش‌آموزان وجود نداشته و با نسل بزرگسال فاصله دارد که جزیی‌نگری، نبود نگاه کلان و همه‌جانبه و خلاء بهره‌گیری از کاوش نگاه‌های ذی‌نفعان؛ از موارد فاصله مورد ادعا میان وضع موجود و انتظارات اجتماعی پدیده حجاب است. هم‌چنین توجه بیش‌تر به ایجاد فضای تعاملی مبتنی بر درک پدیده حجاب، فهم عمیق از ارزش‌ها از مناظر متعدد معنوی، حقوقی و اجتماعی می‌تواند زمینه‌ساز کاهش فاصله نسل جوان با ارزش‌ها و فعال کردن پتانسیل زنان در شکوفایی؛ بخش اعظم جامعه شود. کم‌توجهی به این مسئله، می‌تواند زمینه‌ساز تداوم تصمیمات مقطعی و کنش‌های هیجانی شده و مسیر بالندگی مادران آینده را با خطر بازیچه شدن به‌دست تهاجم فرهنگی و جهانی قرار دهد که فرجام آن نگرش نادقیق و ناصواب در خصوص پاسداشت مقام زن در کشورهای اسلامی به‌ویژه ایران است. با این وصف در این پژوهش تلاش شده است که به این پرسش‌ها پاسخ داده شود:

۱- دانش‌آموزان مقطع متوسطه دختر چه تجربه زیسته‌ای از پدیده کشف حجاب در مسیر مدرسه دارند؟

۲- عوامل مؤثر بر حجاب (تسهیل‌کننده‌ها و بازدارنده‌ها) از نگاه دانش‌آموزان مقطع متوسطه دختر چیست؟

1. Karaman & Christian
2. Robinson
3. Fani, Mohtashami, Karamkhani & Abdoljabbari
4. Grine, & Saeed
5. Nozimova

روش پژوهش

پژوهش حاضر در زمره پژوهش‌های کاربردی قرار گرفته و با هدف واکاوی و فهم تجارب زیسته دانش‌آموزان مقطع متوسطه دختر از پدیده کشف حجاب در مسیر مدرسه انجام شد. با توجه به ماهیت پدیده مورد بررسی، از روش پدیدارشناسی^۱ استفاده شده است. از این رو فهم چنین پدیده‌ای و معنا بخشی آن از منظر افرادی که به‌طور مستقیم پدیده مورد نظر را تجربه کرده‌اند؛ نیازمند بهره‌گیری از روش پدیدارشناسی از نوع توصیفی است. به بیان دیگر، در پژوهش حاضر، با استفاده از رویکرد پژوهش کیفی، پژوهش‌گر با ورود به دنیای درون ذهن مشارکت‌کنندگان و دریافت دیدگاه‌های آنان به شناسایی تجربه‌هایشان اقدام کرده است (کاییدی، نصر، شریفیان و موسوی‌پور، ۱۴۰۱).

در این پژوهش، با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، پانزده تن از دختران متوسطه سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ در مسیر مدرسه به خانه و بالعکس که دارای ویژگی کشف حجاب بودند؛ به‌عنوان مشارکت‌کنندگان آگاه و کلیدی انتخاب شدند و مورد مصاحبه عمیق قرار گرفتند. برخی از معیارهای انتخاب نمونه پژوهش عبارت‌اند از: نبود هیچ سابقه بی‌انضباطی، نبود شکایت و نارضایتی از طرف معلمان و والدین، سلامت جسمانی و روانی، نداشتن رفتارهای ضد اجتماعی، سکونت در محله مدرسه واقع شده بود. دلیل انتخاب این معیارها، مطالعه دانش‌آموزان عادی و بدون مشکل رفتاری با فرهنگی مشترک است. به‌منظور گردآوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. با بررسی پژوهش‌ها در زمینه پدیده حجاب دانش‌آموزان، موارد لازم برای تدوین فرم مصاحبه پژوهش‌گرساخته، استخراج و کاربرد اولیه تدوین شد. مصاحبه‌ها تا زمان اشباع داده‌ها ادامه یافتند، یعنی تا زمانی که با افزایش تعداد مصاحبه‌ها نظردیدنی از افراد یافت نشد و مضامین استخراج شده از سایر مصاحبه‌شوندگان همانند مضامین قبلی تکرار شد. با اجازه مشارکت‌کنندگان مصاحبه‌ها ضبط شده و مشارکت‌کنندگان از انصراف در هر زمان از پژوهش آزاد بودند. حفظ سکوت و آرامش در مکان مصاحبه، محرمانه بودن مشخصات و پاک شدن فایل مصاحبه‌ها در صورت تمایل، اطلاع‌رسانی از نتایج کلی پژوهش به شرکت‌کنندگان از دیگر نکات اخلاقی بود که در این پژوهش رعایت شد. مصاحبه‌های مورد استفاده که به‌طور متوسط شصت دقیقه در محل خارج از مدرسه به طول انجامید؛ به‌وسیله ضبط صوت، ثبت و سپس مکتوب شدند. جدول ۱، مشخصات مشارکت‌کنندگان در پژوهش را نشان می‌دهد:

جدول ۱: مشخصات مشارکت‌کنندگان در پژوهش

کد	پایه تحصیلی	رشته تحصیلی	معدل	وضعیت انضباطی
۱	دوازدهم	ریاضی فیزیک	۲۳.۱۸	عالی
۲	یازدهم	علوم تجربی	۱۹.۱۷	عالی
۳	دهم	ریاضی فیزیک	۸۱.۱۶	خیلی خوب
۴	دوازدهم	علوم تجربی	۱۲.۱۹	عالی
۵	دهم	علوم انسانی	۱۸.۱۸	خوب
۶	یازدهم	ریاضی فیزیک	۸۷.۱۸	عالی
۷	یازدهم	علوم انسانی	۵۷.۱۷	عالی
۸	یازدهم	علوم انسانی	۹۳.۱۶	خیلی خوب

کد	پایه تحصیلی	رشته تحصیلی	معدل	وضعیت انضباطی
۹	دهم	ریاضی فیزیک	۳۴.۱۸	عالی
۱۰	دوازدهم	علوم انسانی	۱۹.۱۷	خیلی خوب
۱۱	دوازدهم	علوم انسانی	۲۳.۱۹	عالی
۱۲	دهم	علوم انسانی	۷۸.۱۷	خیلی خوب
۱۳	یازدهم	ریاضی فیزیک	۲۳.۱۷	عالی
۱۴	دهم	ریاضی فیزیک	۹۸.۱۶	خوب
۱۵	دهم	علوم انسانی	۸۴.۱۷	عالی

در برخی موارد نیز، مصاحبه در دو نوبت ادامه یافت. برای تحلیل مصاحبه‌ها از روش کدگذاری تحلیل مضمون^۱ استفاده و بر اساس دو مرحله کدگذاری باز و محوری انجام شد. ابتدا نکات کلیدی هر مصاحبه شناسایی و استخراج شدند، سپس مفاهیم موجود در نکات کلیدی معین و برحسب مضامین مشترک، مفاهیم تحت مقوله‌های معینی مورد دسته‌بندی قرار گرفتند. علاوه بر این، اعتباربخشی نتایج با اتکاء به معیارهای چهارگانه لینکلن و گوبا (۱۹۸۵)، باورپذیری، انتقال‌پذیری، اعتمادپذیری و تأییدپذیری توسط گروه هم‌تایان با تجربه در انجام طرح‌ها و حوزه آموزش و پرورش تأمین شد. هم‌چنین ارائه موارد مستخرج از هر مصاحبه به فرد مصاحبه شده که با هدف واری واری دوباره مشارکت‌کننده‌ها انجام گرفت؛ ملاکی برای تأیید یافته‌های پژوهش (واری واری توسط اعضاء^۲) بود. جدول ۲ نمونه‌ای از کدگذاری مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان را نشان می‌دهد:

جدول ۲: نمونه‌ای از کدگذاری در فرایند پژوهش^۳

مضمون	مؤلفه	متن مستخرج	بعد
حجاب ناصواب ارزش حجاب	وابسته به زمان	کد (۶): بستگی به زمانش داره؛ زمانی که مامان بزرگم هس. سرم می‌کنم	برداشت ناصواب ارزش حجاب
		کد (۱۱): حجابم رو شرایط معین میکنه؛ تو چ شرایطی باشم. مثلاً موقع عزاداری.	
		کد (۱۳): سنگینی میکنه همیشه که رو سرم؛ زمانی حس کنم باید سرم باشه؛ خوب آره	
		کد (۲): همیشه جور پوشش که خوب نیس. زمان کاری جور خوب...	
		کد (۵): بستگی به حال و زمانش داره... باید بینم، بستجم... متناسب با اون... انتخاب کنم	
	کد (۹): یک چند روزی؛ روزه می‌گیرم گاهی، اون جا حجابم دارم خوب... زمانش باشه؛ آره	وابسته به مکان	
	کد (۱۵): واقعاً مث لباس میمونه، مثلاً تو ماشین، اصن واجب نیس... آزاده موهام.		
	کد (۱۰): دوس دارم خودم انتخاب کنم حجابم رو. خونه عموم احترام می‌زارم. ولی بازار نه		
	کد (۴): موقعیتش مهمه، کجا باشه، نقش من اونجا چیه... مؤثر و مهم برام.		
	کد (۱۲): سلیقه‌اس دیگه، تشخیص خودم و جایی که میرم و اینا		
کد (۳): مدرسه رو مجبوریم. ولی بیرونش رو مجبور نیستم.	اقتضائات شخصی		
کد (۹): ی جاهایی آره. مثلاً حرم که میرم، برای احترام و اینا. بستگی داره.			
کد (۱): خودمم مهم‌ام. نه کس دیگه؛ هیشکی نمیتونه دخالت کنه و اجبار کنه من رو			
کد (۲): بر اساس حال خودم؛ تصمیم می‌گیرم. سلیقه خودم. پاشنه بلند، کوتاه، شال یا بی‌شال			
کد (۱۴): نوع جو و فضا برام مهمه، جلو پدر دوستم، روم نمیشه تو راه برگشت خونه			
کد (۷): انتخاب شخصی خودم... نه چیز دیگه. باید اینجور باشی فقط. بقیه مهم نیستن			
کد (۸): آگه زورم برسه نمی‌زارم کسی دخالت کنه. فکر خودم، نگاه خودم مهمه.			

1. Thematic analysis
2. member check

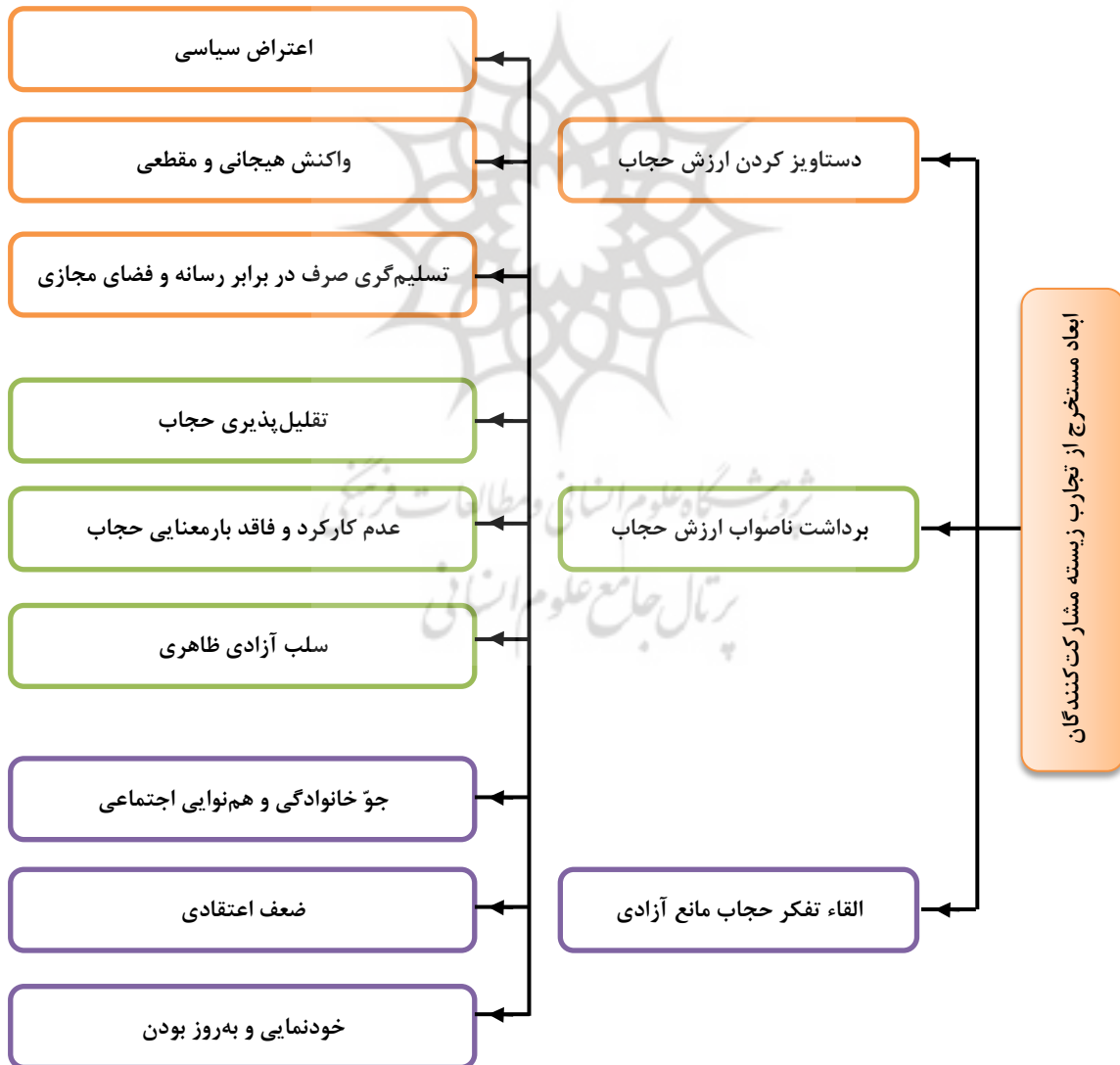
۳. قابل ذکر است که به جهت طولانی شدن پژوهش، قسمتی از کدها درج شده است.

برای اعتبار بخشی به مقوله‌های کشف‌شده؛ نتایج در اختیار سه نفر از متخصصان موضوعی (هیئت علمی دانشگاه و درجه حداقل دانشیار علوم تربیتی) قرار گرفت و پس از گردآوری و بررسی نظرات، روایی محتوایی بر اساس داوری تخصصی تأیید شد. برای بررسی فرایند کدگذاری، از کدگذار دوم برای بیست و پنج درصد موارد کدگذاری استفاده شد که میزان هم‌خوانی در کدگذاری برابر با ۹۰ درصد مشاهده شد.

یافته‌ها پژوهش

پرسش نخست: ۱- دانش‌آموزان مقطع متوسطه دختر چه تجربه زیسته‌ای از پدیده کشف حجاب در مسیر مدرسه دارند؟

برای پاسخ دادن به این پرسش از تجارب دانش‌آموزان مقطع متوسطه به‌عنوان مشارکت‌کنندگان پژوهش بهره گرفته شد. بر این اساس، ابعاد ده‌گانه زیر استخراج شد:



شکل ۱: مضامین و مؤلفه‌های چالش کشف حجاب

بُعد محوری: دستاویز کردن ارزش حجاب

۱- اعتراض سیاسی

حجاب به‌عنوان یک دستاورد دینی و عرفی، تضمین‌کننده شکوفایی ظرفیت زنان جامعه قلمداد می‌شود. تصمیم‌گیری‌های کلان و سیاست‌های دولت‌ها در خصوص پدیده حجاب و بدیل‌های آن اعم از کم‌حجابی و بی‌حجابی ناپستی دست‌خوش بازی‌های سیاسی دولت‌ها حاکم قرار بگیرد. ترویج فرهنگ حجاب، مستلزم ظرافت‌های خاصی است که بایستی با در نظر گرفتن حجاب آسیب‌زا و نه صرفاً حجاب شرعی؛ با احتیاط دنبال شود. وجود سازمان‌هایی با شعار امر به معروف و نهی از منکر بدون در نظر گرفتن حدود و ثغور پوشش افراد و زیرساخت‌های لازم، نه‌تنها اثربخشی را در خصوص این پدیده فراهم نکرده؛ بلکه حس تنفر و اجبار را در نوع پوشش القاء می‌کند. مشارکت‌کننده شماره (۴) اذعان دارد که «یک‌بار گشت آنقدر بد با من برخورد که انگار قتلی چیزی انجام دادم؛ واقعاً اون‌جا پوششم سهوی بود و حواسم به روسری‌ام نبود؛ ولی از اون به بعدش؛ از عمد می‌ندازم».

از این‌رو در این خصوص بسیاری از مشارکت‌کنندگان؛ دلیل اصلی عدم رعایت پوشش خود را به‌خصوص پس از مدرسه، مبارزه با برخوردهای ناب‌ه‌جا و ناصواب دولت و برخی افراد عنوان کرده‌اند. مشارکت‌کننده شماره (۱۲) «حجاب من اسلحه من، باید دولت بفهمه که منم هستم، من رو ببینه، من رو باید قبول کنه». هم‌چنین در این خصوص شرکت‌کننده شماره (۷) بیان دارد که: «سیاست‌های دولت در خصوص حجاب ایراد داره، من راستش با خود حجاب مشکل ندارم، با کارهایی که می‌کنند مشکل دارم».

بنابراین یکی از تجارب زیسته در خصوص کشف حجاب دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه مطالبه‌گری سیاسی است. این مقوله نیازمند اصلاح و بازنگری در خصوص نوع مواجهه با تبیین سازوکار پدیده حجاب است.

۲- واکنش هیجانی و مقطعی

نوجوانی از حساس‌ترین مراحل زندگی است و آن‌را دوره گذر از کودکی به بلوغ می‌دانند. دوران نوجوانی و جوانی دورانی سرشار از تغییرات و چالش‌ها است که می‌توان با آگاهی دادن و آموزش‌های مناسب آن‌را به دورانی برای پیشرفت تبدیل کرد. با توجه به رشد سریع در دوره نوجوانی، این دوره به‌عنوان یک دوره پرخطر برای افراد شناخته شده است، تا جایی که برجسته‌ترین مفهوم درباره نوجوانی، «طوفان و فشار» است. تغییرات نوجوانی با نوسان‌های پرشور عاطفی و آشفتگی‌های هیجانی همراه می‌شود. بیش‌تر متخصصان معتقدند که نوجوانی، دوره بحرانی برای توسعه و رشد آسیب‌های روانی است. احتمالاً بیش از هر دوره دیگر نوجوانی زمانی است که تحولات شدید و وسیع افراد را از ابعاد جسمانی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی تحت تأثیر قرار می‌دهند.

تجارب مشارکت‌کنندگان بیان‌گر نوعی واکنش هیجانی و احساسی نسبت به وقایع اجتماعی بوده، که در نحوه حجاب و پوشش آن‌ها تأثیر گذاشته است. به‌طور مثال مشارکت‌کننده (۹) اذعان دارد که: «دیگه چون دیدم، اکیپمون دارن، همراهی می‌کنند؛ منم مقنعه‌ام رو برداشتم، ولی بعدش باز دیدم ضایس اینا»

هم‌چنین مشارکت‌کننده (۱۰) نیز بیان دارد: «کیف داشت آخه، همه نگا می‌کردن، چه کار شاخی داشتیم می‌کردیم، البته وقتی تنهام در نیارم».

برخی نظریه‌های روان‌شناختی کج‌روی‌های افراد به‌ویژه نوجوانان و جوانان را ناشی از اراده و تصمیم آگاهانه به هنجارشکنی یا تلاش برای جای‌گزینی ارزش‌های فرهنگی نمی‌دانند، بلکه بیش‌تر نشانه احساس‌گرایی خام، هواخواهی و امثال آن می‌دانند (مختارنیا، زاده‌محمدی، پناغی و چراغی، ۱۴۰۰). نمی‌توان تصور کرد که انسان همیشه به شکل عقلانی، اعمالی را انتخاب کرده و انجام می‌دهد. می‌توان موارد زیادی از رفتارها را در نظر گرفت که محاسبه و انتخاب سود و زیان در آن مطرح نیست. افراد ممکن است تحت تأثیر احساسات لحظه‌ای یا عوامل غیر عقلانی مرتکب امری شوند؛ که بعضاً زودگذر و نسبت به آن پشیمان خواهند بود. انتظار می‌رود که مدارس به طرق مناسب و مطلوب، از طریق مشاوران و بعضاً معلمان، نسبت به خودشناسی دانش‌آموزان و ویژگی‌های روانی و هیجانی خود؛ آگاهی‌بخشی لازم را انجام دهند.

۳- تسلیم‌گرگ صرف در برابر رسانه و فضاگ مجازگ

کشور ما جامعه‌ای در حال گذار است و طبیعتاً بیش از سایر جوامع که مسیر توسعه‌یافتگی را بر اساس ارزش‌ها، آرمان‌ها و اصول اولیه نظام حکومتی خود طی کرده‌اند در برابر رسانه‌های جدید و به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی در معرض خطر است (نعمتی‌فر و صفوری پاریزی، ۱۳۹۸). یکی از دلایل این امر می‌تواند ناشی از عدم هماهنگی و انطباق میان ورود و نفوذ شبکه‌های اجتماعی به داخل کشور و گسترش و آموزش فرهنگ استفاده از آن‌ها در جامعه باشد. شبکه‌های اجتماعی نظیر اینستاگرام، با توجه به ماهیت آن، از پتانسیل بیش‌تری برای خودنمایی و ارائه خود برخوردار است. قابلیت تأیید و عدم تأیید گرفتن نسبت به رفتارها، کنش‌ها و واکنش‌ها در فضای مجازی، منجر به ترویج فرهنگ‌های غربی و نمود بی‌حجابی را فراهم می‌کند. مشارکت‌کننده (۷) بیان می‌کند: «خب اولاش استوری‌هام با حجاب بودن، ولی خب وقتی دیدم خیلی از دوستانم با آرایش و لباس مهمونی می‌زارن و لایک زیاد دارن، یواشکی منم گاهی یکم می‌زارم». مشارکت‌کننده (۱۵) نیز بیان دارد: «خب وقتی دیدم تو شبکه‌های مجازی یک موج بی‌حجابی راه افتاده، حرف از آزادی می‌زنن، منم خواستم همراه بشم».

بنابراین یکی از ابعاد کشف شده از تجارب مشارکت‌کنندگان در پژوهش تسلیم‌گری صرف و منفعلانه نسبت به اخبار فضای مجازی و رسانه‌های غربی است. نوجوانان دختر با توجه به هویت در حال شکل‌گیری، غلیان و جوشش درونی و هم‌چنین عواطف مضاعف نسبت به محتوای فضای مجازی، منفعل بوده و نمی‌توانند در برخورد نخست، یک واکنش نقادانه و تحلیلی را برآورده سازند. عدم تبیین مناسب و مطلوب و هم‌چنین کاهش اعتماد نسبت به رسانه‌های داخلی منجر به کارگردانی اصلی نظام غرب بر رسانه و فضای مجازی شده است. از این‌رو نیاز است که در کنار فرهنگ‌سازی و اقدامات جدی در خصوص فضای مجازی، محتوای دروس بازننگری شده و تفکر انتقادی و تأملی هسته مرکزی برنامه‌درسی را تشکیل دهد.

بُعد محوری: دستاویز کردن ارزش حجاب

۱- حجاب‌گزینشی^۱

یکی دیگر از مؤلفه‌های کشف‌شده از تجارب زیسته دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه؛ حجاب‌گزینشی است. برخی از مشارکت‌کنندگان تصور دارند که حجاب با توجه به بحث پوشش، یک مقوله صرفاً شخصی است و این آزادی اجتماعی است که این امکان را به افراد مرد و زن می‌دهد که با توجه به سلیقه، علاقه و حتی وضعیت مالی نوع حجاب خود را انتخاب کند. مشارکت‌کننده (۸) بیان دارد: «این‌که شما کت شلوار بپوشی یا شلوار پارچه‌ای یا حتی شلوار کتون رو کی تعیین می‌کنه؟ خودتون دیگه... خب منم دوست دارم خودم انتخاب کنم، پوشش خودم رو، خودم برارش حد و مرز بزارم». مشارکت‌کننده (۱۴) نیز اذعان دارد که «مگر نه این‌که پسرها بعضی هاشون موهاشون کوتاه، بعضیا دم اسبی میبندن! بعضی لباس مارک دارن، ساعت دارن، نمی‌دونم هزارتا مسئله دیگه، پیپ دارن، سیگار میکشن، تازه به بقیه هم صدمه میزنه، بعد منم دوس دارم که نظر شخصیم باشه که موهام روی دوشم باشه، آزاد باشن».

هم‌چنین برخی مشارکت‌کنندگان تصور حجاب انتخابی وابسته به مکان را مطرح کرده‌اند. بدین معنا که انتخاب حجاب به‌مثابه پوشش؛ وابسته به مکان و محل آن دارد. بنابراین همان‌طور که در برخی مکان‌های عمومی، خصوصاً، جو خانواده و حتی مراسم‌های ازدواج و ترحیم، نوع پوشش افراد متفاوت و متغیر است؛ حجاب نیز به‌مثابه پوشش یک امر اختیاری وابسته به مکان است. مشارکت‌کننده (۲) بیان دارد که: «من توی مدرسه چادر سرم می‌کنم؛ همون جور که حرم که میرم سرم می‌کنم، خونه عموم، چون می‌دونم براشون مهمه، موهام رو می‌کنم تو قشنگ، حواسم جمعه، باید احترام گذاشت. ولی مثلاً عروسی مختلط اقوام مامانم، راحتم. یا این‌که بیرون مدرسه خب؛ عرف اجتماع رعایت می‌کنم؛ صرفاً مقنعه ندارم. پوشش دیگه، هرجا، بایدی جور باشه». هم‌چنین مشارکت‌کننده (۳) اذعان دارد: «استخری جور لباس میخواد، خونه جور، بیرونی جور، من حد و مرز رو می‌شناسم. در همون حد میرم جلو».

مشارکت‌کنندگان دیگری نیز در این بُعد، حجاب انتخابی وابسته به زمان را بیان کرده‌اند. از این‌رو تصور حجاب را به زمان‌های به‌خصوصی ارجاع دادند. بدین معنا که حجاب برای مناسک مذهبی هم‌چون ادا کردن نماز یومیه، روزه گرفتن و ماه‌های عزاداری هم‌چون دهه محرم و فاطمیه است. مشارکت‌کننده (۱۱) بیان دارد: «آره خب، من موقعش بشه، سرم می‌کنم. روزه‌های مادر بزرگم، من هم کمک می‌کنم، هم حجاب دارم قشنگ». هم‌چنین مشارکت‌کننده (۱۳) اذعان داشت: «من اعتقاد دارم، بی‌دین که نیستم والا. ولی خب قبول ندارم که چادر باشه یا پوشش باید شرعاً چجور باشه؛ مثلاً با روزه‌هام، موهام پوشوندس، حتی مسافرت خارجی برم، ی زمان‌هاییش؛ حواسم هست؛ بستگی به موقعش داره دیگه».

مفاهیم حجاب انتخابی و حجاب‌گزینشی، می‌تواند زیرمجموعه مفهوم دینداری‌گزینشی قرار گیرد. پذیرش اذعان شده توسط برخی مشارکت‌کنندگان که وابستگی نظر شخصی، مکانی و یا حتی زمانی بدون در نظر گرفتن اصل دینی حجاب بوده و صرفاً دلایل دیگری داشته است. مهم‌ترین دلیل برای این موضوع حس درونی و کنترل درونی هر فرد بوده است. این امر کاملاً درونی بوده و شاید بتوان مفهوم دینی حجاب

را به آن ارتباط داد. به عبارت دیگر حس درونی در هر فرد که اجازه کم‌تر کردن پوشش از میزانی مشخص را به خود نمی‌دهد؛ گرچه ممکن است این میزان کم‌تر یا بیش‌تر باشد. این نوع تلقی از حجاب نیز در غرب به وضوح دیده می‌شود (هاپکینز و گرینوود^۱، ۲۰۱۳). اما در پژوهش حاضر، مشارکت‌کنندگان این کارکرد را از حجاب شرعی جدا کرده و برای حس شخصی خود رعایت می‌کردند.

شرایط محیطی و تمامی عناصر دخیل در آن، مانند تلقی فرد از هنجارها، کنترل اجتماعی بیرونی، حاضرین در موقعیت (مشارکت‌کننده شماره ۶): من اگر مامان دوستم بیاد دنبالمون، مقنعم رو در نمی‌آوردم، آخه حس می‌کردم جلو اون خوب نیس و یجورایی خجالت می‌کشیدم راستش»، جوّ موقعیت، شرایط محیطی و جغرافیایی و حتی زمانی نیز، علت‌های پوشیدگی در مشارکت‌کنندگان بوده است. در حقیقت حجاب یک مفهوم ثانویه تلقی شده و این افراد نه از روی اعتقاد، بلکه به علت دیگر متغیرها، پوشیدگی سر یا تن خود را حفظ می‌کردند.

۲- تقلیل‌پذیرگی حجاب

در نظام‌های تربیتی و سیاسی، الگوهای مناسبی از پوشش به‌عنوان پوشش هنجار مطرح می‌شوند. انحراف از این الگوها به‌عنوان شکافی میان پوشش بین جوانان و میان‌سالان و نوع پوشش مادر و دختران مشاهده می‌شود، بیان‌گر مشکل اجتماعی ظهور یافته است که عوامل فرهنگی، اعتقادی، روانی، اجتماعی و سیاسی در آن مؤثرند. تقلیل‌پذیری حجاب یکی دیگر از ابعاد کشف شده پژوهش حاضر است. بدین معنا که حجاب باطنی اصل و حجاب ظاهری فرع و صرفاً پوسته‌ای تصور می‌شود. برخی مشارکت‌کنندگان اذعان داشتند که حجاب ظاهری، صرفاً موجب دورویی افراد شده و کارکرد دیگری ندارد. مشارکت‌کننده (۹) بیان کرد: «حقیقتاً معلم زبان مدرسمون؛ راحت می‌گه که من چادر رو فقط به خاطر این جا می‌پوشم، بیرون خودم چنبار دیدمش، با زور همیشه شناسیش» هم‌چنین مشارکت‌کننده (۱) اذعان داشت که: قبلاً فک می‌کردیم تو مدرسه هر کی چادری، دیگه اهل دوس پسر اینا لاقل نیس... بعد دیدیم که دست بقیه رو از پشت بسته».

از این‌رو مشارکت‌کنندگان بیان داشتند که حجاب ظاهری نمی‌تواند معیار مناسبی برای خوب بودن افراد باشد. حتی معتقد هستند که بی‌حیایی و مصداق‌های آن در افراد چادری بیش‌تر نمود پیدا کرده است و افراد از حجاب به‌صورت عام و از چادر به‌طور خاص، سپری برای پوشاندن واقعیت‌ها استفاده می‌کنند. مشارکت‌کننده (۳) بیان دارد: «هر چی دختر عشقیه، زیر چادر مشکیه».

از این‌رو خلط مبحث مفاهیم پوشش، حجاب و چادر در بین مشارکت‌کنندگان کاملاً تسریع یافته است. گاهاً حجاب را به‌مثابه چادر دانسته و صرفاً هر نوع پوششی که با چادر همراه شود را به منزله حجاب کامل در نظر گرفته‌اند. این در حالی است که به‌روز رفتار، مقوله متفاوتی از حجاب؛ و حجاب نیز مرزی با حیا و عفت دارد. حجاب صرفاً یک امر ظاهری و داشتن یک پوشش نیست؛ بلکه نماد باورها و گرایش‌های دینی افراد است که با عفت و حیا درونی آنان گره می‌خورد. عملکرد افراد در زندگی شخصی امکان دارد که صورت متفاوتی از نوع پوشش و یا بعضاً نوع حجاب آن‌ها در مکان‌های مختلف داشته باشد.

1. Hopkins & Greenwood

مشارکت‌کننده (۶) بیان دارد: «وقتی شاگرد زرنگ کلاس‌مون، مقنعه نداره، وقتی می‌بینم که، اینایی که حجاب برایشون مهم نیس، دوستای بهتری هم هستن. تصور آدم عوض میشه دیگه».

۳- عدم کارکرد و فاقد بارمعنایی حجاب

حجاب به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی نظیر آزار جنسی، خشونت‌های زنان و حتی ابزاری برای قدرشناسی از جایگاه مقام زن به‌عنوان دامنی امن برای پرورش نسل آینده قلمداد می‌شود. این درحالی است که برخی مشارکت‌کنندگان پژوهش بر این باورند که کارکرد حجاب دچار تحول شده است. بعضاً اگر نوع پوشش و حجاب آنان؛ موجب مصون ماندن از نگاه نامحرمان را به‌دنبال داشته است؛ امروزه نماد چادر نه تنها مصونیت را به‌دنبال ندارد؛ بلکه بیش‌تر جلب توجه کرده است. مشارکت‌کننده (۶) بیان دارد: «من گاهی چادرم سرم میکنم؛ ولی متلکی که میندازن پسرا کم‌تر همیشه؛ حتی پروفایلیم که چادری بود؛ بیش‌تر برام پیام دوستی اینا میومد تا الان که سرلخت گذاشتم. نمی‌دونم چرا؟» هم‌چنین مشارکت‌کننده (۸) بیان دارد: «آخه باید به یک دردی بخوره دیگه، دینی و اصرار بعضی مادرا رو بزاری کنار؛ دلیل استفادش رو نمی‌فهمم؛ فقط جلو دست و پا رو می‌گیره و گروه همین؛ عادی شده الان بدون مقنعه تو مدرسه ما».

موضع اصلی برخی مشارکت‌کنندگان عدم فهم وثیق در خصوص کارکرد حجاب است. یعنی افراد در موضع‌شناختی خود نمی‌توانند برای حجاب کارکردی را تصور کنند و یا شرایط اجتماعی بسترساز برای رعایت حجاب را تصور کنند. و نگرش منفی درباره مردان و جامعه ایران داشته و در مقام مقایسه با دیگر کشورها معتقد هستند، که اگر قرار بود حجاب کارکرد مثبتی داشته باشد، بایستی وضعیت کشور بهتر از وضعیت کشورهای دیگر می‌بود، در حالی که این امر برعکس است و کشورهای دیگر وضعیت بهتری دارد. آن‌ها از این دو نتیجه می‌گرفتند که حجاب کارکرد اجتماعی ندارد. مشارکت‌کننده (۱۵) بیان داشت: «آخه همین ترکیه رو نگاه، نمی‌دونم کشورهای درجه سه اروپایی اصن، از ما شادترن، وضعیت اقتصادی بهتر دارن، ما فقط آمارها رو نمی‌دیم؛ آمار تجاوزها، خفت‌گیری‌ها، خودکشی‌ها؛ بعد فکر می‌کنیم بهترین خب».

بُعد محوره الفاء تفکر حجاب مانع آزادی

۱- سلب آزادی ظاهری

برخی از مشارکت‌کنندگان سلب آزادی ظاهری را ادله‌ای برای کشف حجاب خود دانسته‌اند. بدین معنا که حفظ حجاب، منجر به پوشاندن موی انسان شده و زیبایی و جمال را پنهان می‌کند. مشارکت‌کننده (۵) بیان دارد: دوس ندارم آزادی من رو بگیرن... زیبایییم رو بگیرن، زن آزاد باشه، جامعه آزاد میشه». مشارکت‌کننده (۱۱) نیز بیان دارد: «من آخه نمی‌فهمم؛ چرا به بهانه حجاب، آزادی رو از دخترا می‌گیرین؛ مگه ما دخترا دشمن شماییم. چرا ما رو این‌جوری اذیت می‌کنین. که حتی من باید یک مدل موی ساده و کوتاه رو هم باز کلی بیوشونم».

از این‌رو برخی افراد این‌گونه تصور کرده‌اند که حجاب مانعی برای محدود کردن آزادی آنان و پنهان کردن وجه زیبایی ظاهری افراد است. بایستی توجه کرد که آداب پوشش، مراتبی دارد که عمدتاً افراد

خود را مقید به رعایت آن می‌کنند؛ همان‌گونه که نوع استخدام واژگان در ارتباط با خانواده، دوستان و مدرسه متفاوت است. رعایت حجاب عرفی در جامعه، نه تنها به دنبال محدود کردن و حصار کشیدن زنان نیست؛ بلکه با ایجاد فضایی مبری از نگاه‌های غیر انسانی و شهوانی؛ به دنبال تضمین مقام و جایگاه زن است. این موهم می‌تواند با ایجاد فضایی به‌عنوان حقوق انسانی و اجتماعی، در قالب بحث‌های گروهی و متمرکز در مدارس دنبال شود. تبیین جایگاه آزادی فردی و اجتماعی و مراتب و دلالت‌های آن؛ می‌تواند گره‌های ذهنی بسیاری از کنش‌گران را در خصوص مسئله حجاب و سلب آزادی حل کند.

۸- جوّ خانوادگی و هم‌نوایی اجتماعی

خانواده مهم‌ترین سنگر بازدارنده و یا تسهیل‌کننده در رابطه با حدود و ثغور حجاب است. بسیاری از مشارکت‌کنندگان بیان داشتند که نوع مواجهه خانواده با شرکت در مراسمات مذهبی، معاشرت‌های خانوادگی و دوستانه، خرید لباس‌هایی مرتبط با حجاب هم‌چون چادر و غیره، اهمیت به سایر ارکان دینی هم‌چون نماز و موارد گسترده دیگر در خصوص بینش آن‌ها نسبت به حجاب مهم و مؤثر بوده است. مشارکت‌کننده (۷) بیان داشت: «وقتی مثلاً با اقواممون باغ میریم تابستونا، بابام گیر نمی‌ده زیاد، می‌گه راحت باشین، یا حتی تو مسافرت‌ها، ولی مثلاً جلو در همسایه می‌گه یکم رعایت کن» مشارکت‌کننده (۴) نیز بیان داشت: «یادم نمیاد صبح برای نماز بابام پا شده باشه، چ برسه بخاد به حجاب من گیر بده».

هم‌چنین برخی از مشارکت‌کنندگان نیز بیان کردند که فشار خانواده برای ادای ارکان دینی بسیار زیاد است؛ به‌نحوی که خسته از مشاخره‌های خانوادگی بوده و بعضاً صرفاً بابت ترس و یا زمینه‌های عاطفی خانواده حجاب را رعایت می‌کنند و کاملاً به دلیل این فشار یک طرفه و زورگویانه؛ حس تنفر را نسبت به مقوله حجاب دارند. مشارکت‌کننده (۲) بیان دارد که «بیار اومدم تو راه پله رو تمیز کنم، روسری نداشتم، بابام کتکم زد. از همون جا دیگه حجاب و چادر رو دوس ندارم» مشارکت‌کننده (۹) نیز بیان دارد: «من کسی بیاد خواستگاریم بهش می‌گم که مٹ مامانم نیستم و قرار نیس حجایی داشته باشم اون‌طور؛ الان هم مجبوراً به خاطر اونا رعایت می‌کنم. تو مدرسه هم مجبورم؛ بیرونش نه».

مضمون دیگر این بُعد؛ اجتماع و عرصه عمومی است. برخی از مشارکت‌کنندگان بیان داشتند که جامعه دارد به سمت تحول و تغییر حرکت می‌کند؛ بنابراین نمی‌توان در مقابل جوّ اجتماع و دوستان مقاومت کرد. تصور از کم‌حجاب شدن جامعه برای این دسته از افراد، به‌عنوان تأییدی بر بی‌حجابیشان برداشت می‌شود. از زاویه‌ای دیگر این تلقی، موجب حرکت به سمت هم‌نوایی با جامعه و کم‌حجاب شدن و تثبیت در این وضعیت می‌شود. تلقی از افراد طبقه بالای اقتصادی - اجتماعی که کم‌حجابی و یا حتی بی‌حجابی مشخصه آن است، موجب می‌شود خانم‌ها نیز به همین سمت سوق داده شوند. مشارکت‌کننده (۱۱) بیان دارد: «آخه وقتی یک کافه میری همه بی‌حجاب؛ حتی تن و اینا، بعد من چجوری برم زش نباشه خب؟ کافیه بری الان تو کوچه خیابون، قبلاً باید می‌گشتی یدونه بی‌حجاب ببینی، الان باید بگردی یدونه با حجاب چادری ببینی خب».

مشابهت می‌تواند تعامل فرد با گروه‌های دیگر را سهولت بخشد، وی را فردی مشروع و با شهرت مناسب بشناساند و در زمره افرادی قرار دهد که شایستگی لازم را برای برعهده گرفتن نقش‌های امتیازدار

جامعه دارند. بنابراین، وقتی پذیرش یا نپذیرفتن حجاب در جامعه، اشاعه می‌یابد، بر اساس هنجارهای جامعه مشروعیت یا مقبولیت می‌یابد و در گذر زمان در جامعه ثبات پیدا می‌کند.

۹- ضعف اعتقاد

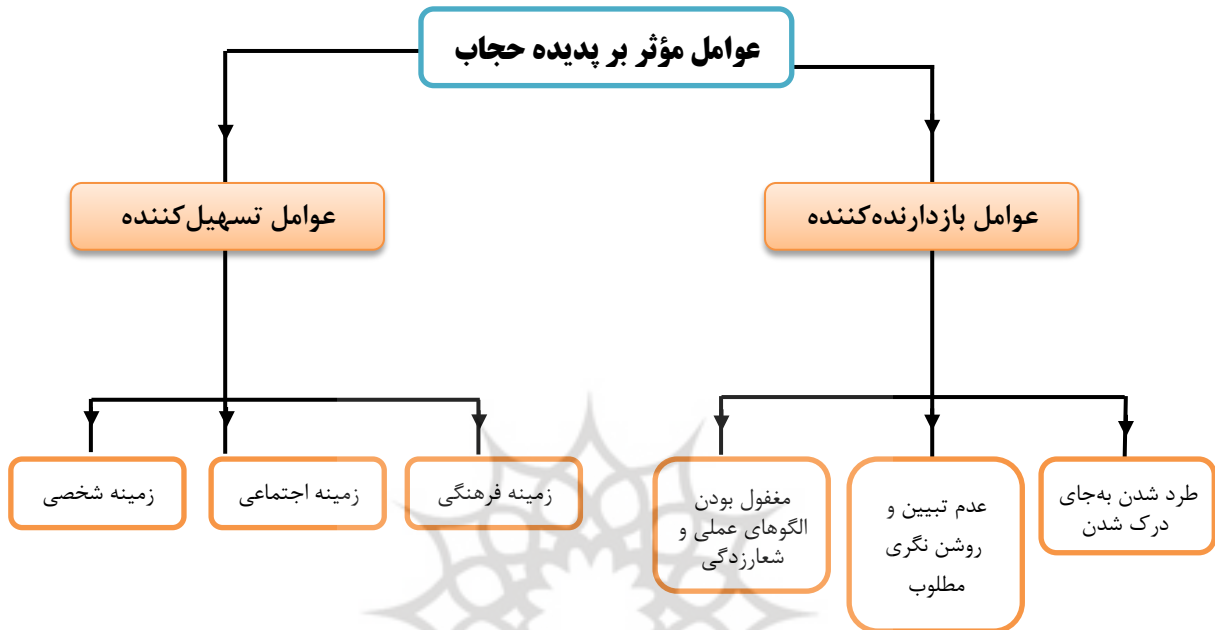
بایستی توجه کرد که آموزش عمومی با تأسی از سند تحول بنیادین آموزش و پرورش؛ داعیه حیات طیبه و قرب الهی را دارد. از این رو ساحت تربیتی اعتقادی، عبادی و اخلاقی اولین ساحت مطرح شده در سند تحول بنیادین بوده که به دنبال تلاش مداوم جهت ارتقای ابعاد معنوی وجودی خویش و دیگران از طریق برقراری ارتباط با خداوند (عبادت و تقید به احکام دینی) و دعوت سایرین به دین‌داری و اخلاق‌مداری و حضور مؤثر و سازنده دین و اخلاق در تمام ابعاد فردی و اجتماعی است. با وجود گذشت بیش از ده سال از اجرای سند؛ متأسفانه ظهور و بروز ارزش‌های دینی و معنوی در مدارس آن‌چنان که متصور شده؛ پدیدار نشده است. بایستی توجه کرد که پدیده کشف حجاب که در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفته؛ نقطه عطف و شروع آن مدرسه بوده است. مکانی که بایستی محفل رشد و شکوفایی پتانسیل‌های درونی دختران به‌مثابه مادران آینده باشد؛ با وجود مشکلات طراحی و اجرای برنامه‌های درسی در سطح کلان و خرد، موجب عدم شکل‌گیری باورها و ارزش‌های مورد نظر شده است. مشارکت‌کننده (۱۳) بیان دارد: «واقعاً هیچ وقت فلسفه حجاب رو نفهمیدم، هیچ اعتقادی در من شکل نگرفت. می‌فهمم گاهی بزرگ‌نمایی میشه؛ سیاهه نمایی میکنن‌ها؛ ولی کجا به ما یاد دادن آخه، معلم دینی خودمون ناخن کاشته، بعد حرف از نماز میزنه» مشارکت‌کننده (۱۵) نیز بیان دارد: «من راستش تو خونمون هیچ موقع بحث دین و نماز و حجاب اینا مطرح نبوده خب، و انتظاری هم نداشتم. اما مثلاً درس دینی ما؛ یک جوریه که بیش‌تر تنفر ازش داریم تا این‌که بخواد چیزی یاد بده، مزخرفه واقعاً... دینی مزخرف‌ترین و معلم پرورشی داغون‌ترین فرد مدرسه است».

۱۰- خودنمایی و به‌روز بودن

یکی از ویژگی‌های مهم زنان، خصیصه تبرج و خودنمایی است که به‌صورت غریزی و طبیعی در آنان وجود دارد. همان‌طور که بی‌توجهی به غریزه خودنمایی و تبرج برای زن زیان‌بخش است، خودنمایی و تبرج بیش از اندازه و خارج از چارچوب حجاب نیز زیان‌بخش خواهد بود و سلامت روانی زن را به‌مخاطره می‌اندازد. بیان شد که نوجوانان در برهه زمانی خاص خود؛ نیازمند توجه دیگران و تأیید گرفتن از دیگران و هم‌سالان هستند. از این رو برخی از مشارکت‌کنندگان پژوهش اذعان داشتند که دلیل اصلی کشف حجاب پس از مدرسه؛ خودنمایی و جلب توجه است. مشارکت‌کننده (۸) عنوان کرد: «کیپمون با لباس فرم و بدون مقنعه که میریم؛ قشنگ چشم بعضیا در میاد. فک میکنن ما مث خودشونیم که سنتی و دمه‌دیم. با فرم تازه بیش‌تر جلوه میکنه». مشارکت‌کننده (۱۱) نیز بیان کرد: «یقیناً این‌جوری جلوه و خوشگل‌یش بیش‌تره، راستش دوس دارم تو چشم باشم گاهی؛ من رو هم ببینن. توجه کنند». مشارکت‌کننده (۵) بیان دارد: «خب من موهامو دگلیته کردم، چرا نباید مرتب و شیک باشم و دیده بشن».

پرسش دوم: ۲- عوامل مؤثر بر حجاب (تسهیل‌کننده‌ها و بازدارنده‌ها) از نگاه دانش‌آموزان مقطع متوسطه دختر چیست؟

برای پاسخ دادن به این پرسش از تجارب دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه به‌عنوان مشارکت‌کنندگان پژوهش بهره گرفته شد. بر این اساس، ابعاد زمینه فرهنگی، اجتماعی و شخصی به‌عنوان عوامل تسهیل‌کننده رعایت حجاب و ابعاد طرد شدن به جای درک شدن، تبیین مطلوب زیر استخراج شد:



شکل ۲: عوامل مؤثر بر پدیده حجاب مستخرج از تجارب زیسته مشارکت‌کنندگان پژوهش

عوامل تسهیل‌کننده

۱- زمینه‌های فرهنگی

بسیاری از مشارکت‌کنندگان، یکی از اساسی‌ترین ملزومات تسهیل‌کننده امر حجاب را زمینه فرهنگی؛ عنوان کردند. از این‌رو اگر به‌دنبال ترویج حجاب در میان نوجوانان و دانش‌آموزان هستیم؛ بایستی زمینه‌های فرهنگی لازم را مد نظر قرار دهیم. نهادهایی مانند رسانه داخلی اعم از تهیه و تدوین محتوای مناسب غیرمستقیم هم‌چون آثار سینمایی فاخر، ترویج جشنواره‌های ویژه، بسط برنامه‌های آموزشی و اشاعه فرهنگی در مدارس و لزوم ورود به فضای مجازی با تسهیل‌گیری امر حجاب؛ می‌تواند بسترهای مفیدی را بارور سازد. نکته قابل ملاحظه کار فرهنگی، تدریجی بودن و غیر مستقیم بودن آن است. بایستی با فعالیت‌های کارشناسانه و دقیق از واکنش‌های مقطعی، هیجانی و بعضاً پیشگیرانه دوری جسته و فضایی کاملاً متناسب با باورها، علائق و اقتضات نوجوانان گام برداشت. لذا فهم و درک مطلوب مسئله در قدم نخست؛ اهمیت غیرقابل انکاری در خصوص مواجهه با آن را خواهد داشت. مشارکت‌کننده (۱۱) بیان دارد: «سال قبل یک برنامه روز دانش‌آموز برگزار کردن، اصلاً نمی‌خواستیم اولش شرکت کنیم؛ ولی واقعاً با شادی و ترسیم نمایش و اینا خیلی حال کردیم و خوش گذشت، کلی خندیدیم، یه چیزایی مطرح شد در مورد حجاب که فک کنم تا آخر عمر جایی نشنوم. آخرش تازه گلم بهمون دادن». مشارکت‌کننده (۴) نیز گزارش کرد: «توی نمایشگاه بین‌المللی یبار یک جنگ شرکت کردم با عمه‌ام. اونجا هیچ شعاری یا حرفی از حجاب

زده نشده‌ها. ولی اولش تا آخرش که می‌خواستیم ببریم؛ قشنگ یک تکونی به آدم می‌داد. یعنی عاشق اون مجری شدم من اصن؛ ی برنامه تلویزیونی هم بود؛ چی بود؛ لاک جیغ تا خدا چن سال پیش میزاش؛ فک کنم به اندازه کل جلسه قرآن مامانم و تمام معلم‌های پرورشیم اون ارزش داش.»

۲- زمینه‌های اجتماعی

یکی از تصورات افراد مشارکت‌کننده در پژوهش؛ حرکت جامعه به سمت کم‌حجابی و بی‌حجابی است. مشارکت‌کنندگان بیان داشتند که صرفاً در بسیاری از موارد نه به علت محوری و درونی؛ صرفاً از روی هم‌رنگ شدن با گروه و افراد حاضر در جمع، مجبور به بدحجابی شده‌اند. از این‌رو زمینه‌های اجتماعی جامعه، به‌نحوی بر روی پوشش و حجاب آن‌ها تأثیرگذار بوده است. نوع تبلیغات رسانه‌ها و نوع تنوع پوشاک در بازار تا جوهای حاکم بر گروه‌های خانوادگی، هم‌سالان و حتی درون خانواده، بر نوع حجاب آن‌ها تأثیرگذار بوده است. مشارکت‌کننده (۱۲) بیان دارد: «میری لباس بخری، همشون بدن نما شده، از شال اینا که بگذریم. با دوستان میری بیرون؛ خب اون یکی جینش، چسب و خاص ایناس. همه این‌طوری دارن میشن آخه، آره قبول دارم که محیطم روم تأثیر گذاشته و اگر مثلاً خونمون یک جای مذهبی بود یا مدرسه‌ام یا دوستانم... شاید منم الان این‌جوری تیپم نبود.» مشارکت‌کننده (۱۰) نیز بیان دارد: «نمیشه برعکس رودخونه شنا کرد؛ بی‌منطق نیستم ولی حوصله بحث هم ندارم با اینا که یجوری ان. وقتی می‌بینی قبلاً چادری بود، الان از من بازتر لباسش؛ بعد مقنعه افتاده من که دیگه این وسط چیز مهمی نیس. البته نظر شخصیشون‌ها. ولی به‌نظرم نمیشه جلوش رو گرفت.»

بنابراین یکی از مقوله‌های احصاء‌شده، زمینه‌های اجتماعی در خصوص تسهیل‌گری امر حجاب است. زمانی که جامعه با بهاء دادن به افراد با حجاب به‌جای نفی افراد بی‌حجاب، زمینه‌های اجتماعی مطلوبی را تدارک ببیند. لاجرم بسیاری از افراد از جمله جوانان که در حال شکل‌گیری هویت مستقل و شخصی خود می‌باشند، نسبت به حجاب موضع مناسب‌تری را انتخاب خواهند کرد.

۳- زمینه شخصی و خانوادگی

حجاب از شعور، آگاهی و شناخت فرد آغاز می‌شود و هرچه میزان شناخت و آگاهی فرد و زمینه انتخاب او از حجاب بیش‌تر باشد، در حقیقت می‌توان حجاب او را آگاهانه، با اختیار و ریشه‌ای دانست. بسیاری از مفاهیم ارزشی و اعتقادی بایستی از همان ابتدا به صورت صحیح توسط خانواده، مهد کودک‌ها و آموزش عمومی مورد بررسی و انتقال قرار بگیرند. برخی از مشارکت‌کنندگان زمینه شخصی را به‌عنوان یکی از عوامل مهم در تسهیل‌گری پدیده حجاب عنوان کردند. ضعف باورها و ارزش‌ها، جهت‌گیری علائق و سلیقه‌ها، گرایش‌های خاص خانواده و اولیاء، تصور نادقیق و ناصواب از پدیده حجاب و افراد باحجاب و البته افراد چادری، همگی به‌عنوان زمینه‌های شخصی که در صورت اصلاح می‌تواند پتانسیلی برای ترغیب و تسهیل امر حجاب مورد واقع قرار بگیرند. مشارکت‌کننده (۱) بیان دارد: «شاید به خاطر اعتقاداتم باشه؛ اگر واقعاً ایمانم درست بود؛ شاید به عنوان یک الزام دینی، این‌جوری نبودم. از همون مهد کودک همش آهنگ حفظ کردیم نه سوره قرآن». مشارکت‌کننده (۱۳):

«میدونین؛ این جووری بزرگ شدیم دیگه؛ تو خومون حرف از این چیزا نبوده اصن. همیشه بابام خانوم‌های چادری رو مسخره می‌کرد؛ البته من با چنتا شون رفیقیم؛ خدایش دخترای خوبین اینا». مشارکت کننده (۱۰) بیان دارد: «تو خونه ییبار اومدم نماز بخونم با چادرم، بچه بودم خب؛ انقدر مسخرم کردن و اینا، کلاً دل زده شدم. ولی آگه حمایت می‌شدم، نظرم و باورهام شاید الان این جووری نبود دیگه. خیلی مهمه کجا بزرگشی، چه چیزایی روت تأثیر بزاره و حالا نگاهت نسبت به حجاب چی باشه اینا».

عوامل بازدارنده

۱- طرد شدن به جاک درک شدن

بسیاری از مشارکت‌کنندگان پژوهش چه مستقیم و چه غیرمستقیم به دنبال فهم، ارتباط و درک شدن خانواده و جامعه نسبت به خود هستند. مشارکت‌کننده (۱۳) بیان دارد: «کی نشستن با ما صادقانه صحبت کردن؟ کی ما رو درک کردن؛ تو خونه، بابای آدم کارهای دیگ رو نمیبینه، پسرش رو نمیبینه، ولی روزی ده بار به من گیر میده، بیرون تو اتوبوس خانومه به من فحش داد به خاطر موهام... نسل جوون کجای این مختصات هس؟» هم‌نواپی و درک شدن نسل جوان و بعضاً نوجوان می‌تواند؛ میدان را از آلودگی و فرصت‌طلبی ته‌اجم فرهنگی و بعضاً سوء تفاهم‌ها خالی و مبری سازد. مشارکت‌کننده (۷) اذعان دارد: «واقعاً آگه ییبار صحبت می‌کردن درست؛ ییبار تشویق صورت می‌گرفت؛ ییبار یه جایی می‌تونستیم حرفامون رو بزنینم. الان این جووری شدم که هرچی باز یگر مورد علاقم بگه، خدایی راسته و بقیه فقط میخان ما رو کنترل کنن، ی جورایی».

تفاوت بین نسل‌ها، از موضوعات مهم و بحث‌برانگیز در اکثر جوامع است و ایران از این مقوله، مستثنی نیست. به‌ویژه که در سال‌های اخیر، به‌دلیل پیشرفت فناوری و دسترسی همگانی به اطلاعات، جامعه ما تحولات سریعی را تجربه کرده است. در نتیجه؛ این اختلافات پیچیده‌تر و همه‌گیر شده است.

تفاوت‌های اجتناب‌ناپذیر بین نسل‌ها، در صورتی که جدی گرفته نشوند، به تدریج منشاء به‌روز ناسازگاری، عدم درک متقابل افراد و در نهایت شکاف بین نسل‌ها می‌شود. بنابراین زمانی می‌توان راه‌حلی کارآمد برای بسیاری از مشکلات جامعه ارائه داد، که ابتدا نسبت به ارزش‌ها، باورها، طرز فکر و هنجارهای هر نسل، شناخت کافی وجود داشته باشد. باید در نظر گرفت که نمی‌توان بیان کرد، یک نسل خاص در سبک زندگی، کاملاً صحیح عمل کرده است. اقتضای زمان و موقعیت اجتماعی هر نسل؛ عامل متفاوت بودن آن از دیگری است. از این‌رو این تحول در سال‌ها و قرن‌های آتی نیز دنبال خواهد شد. بنابراین بایستی توجه کرد که همان‌طور که نوع معاشرت، ازدواج، انتخاب شغل، امور شخصی و غیره دچار تحول و تغییر شده است؛ نوع پوشش نیز قطعاً دچار تحول خواهد شد. آن‌چه در این میان اهمیت دارد تداوم حفظ ارزش و گره زدن آن با اقتضای کنونی است. در غیر این صورت شاید تغییر نرم تدریجی ارزش‌ها خواهیم شد. بنابراین درک شدن به‌عنوان حلقه مفقوده عدم ارتباط و تعامل دو نسل؛ می‌تواند بسیاری از سوء تفاهم و چالش‌های ناشی از آن را مرتفع سازد. این سخن به معنای استحاله شدن ارزش‌ها به‌طور عام و حجاب به‌طور خاص نیست، منتها نوع برخورد با مسائل این‌چنینی خواه از سوی خانواده باشد، خواه از سوی جامعه و دولت صورت

پذیرد، انعطاف‌پذیری را به‌همراه درک متقابل باید به‌همراه داشته باشد. قطعاً هر نوع مواجهه دیگری به‌ویژه همراه با اکراه و نفی کردن با چنین نسلی؛ محکوم به شکست خواهد بود.

۲- عدم تبیین و روشن‌گرگ مطلوب

به‌زعم مشارکت‌کنندگان عدم تبیین و روشن‌گری مطلوب یکی از کلیدی‌ترین عناصر، ممانعت از تسهیل امر حجاب است. بدفهمی رایج در رابطه با پدیده حجاب، به‌ویژه تصور حجاب به‌عنوان حصار و مانع، به‌مثابه عدم عدالت و آزادی میان حقوق زن و مرد و حقوق شخصی از مهم‌ترین چالش‌ها و دغدغه‌های ذهن نسل جوان مشارکت‌کنندگان پژوهش است. مشارکت‌کننده (۶) بیان دارد: «خب آره؛ اگر واقعاً آدم بفهمه فلسفه حجاب رو، قشنگ روشن بشه، درک کنه، مقاومت نمیکنه در برابرش... با زور همیشه که سر کسی حجاب کرد. همون جور که همیشه برداشت». هم‌چنین مشارکت‌کننده (۱۵) بیان دارد: «همش اجبار، همش فشار، بعد چرا به سؤالات ما پاسخ نمیدن؟ وقتی تو کلاس بحث میشه، داغ میشه حرفا، دقیقاً وقتی یک علامت سؤال بزرگ می‌چرخه تو سرمون، میگن جاش اینجا نیست. حاشیه نریم، درس مهم تره...». بنابراین می‌توان با ایجاد فضای روشن‌گری و به دور از اعمال شتاب‌زده و هیجانی، تصمیماتی دقیق و موجه در این خصوص اتخاذ کرد. این ارتباط کاملاً مستلزم درک کنش‌گران است که در بُعد قبلی مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

باید توجه کرد که در برهه‌ای که قدرت رسانه و عصر پسا حقیقت منجر به محو حقیقت گشته است. تبیین و روشن‌گری می‌تواند در زدودن فضای غبارآلود کنونی شایسته باشد. به‌همین جهت نیز مقام معظم رهبری در سال‌های اخیر بر اهمیت جهاد تبیین نیز تأکید داشته‌اند. تبیین به‌معنای روشن‌گری و بیان حقیقت و واقعیت است. در حقیقت آنچه در تبیین مدنظر است، زدودن غبار بدفهمی، تحریف و کج‌فهمی از مفاهیم و هم‌چنین فهمیدن تحلیل‌های نادرست، غلط و مغرضانه از رویدادها و پیشگیری از تحریف و دریافت نادرست است. بنابراین، تبیین در جهت روشن‌گری است، بدون جهت‌گیری خاصی که بخواهیم مطلبی را توجیه و یا امر نادرستی را درست جلوه دهیم. مدارس به‌عنوان محفل‌های شکل‌گیری ارتباطات هم‌سالان و به‌روز پرسش‌ها و تحلیل و نقدهای مرتبط با جامعه، بایستی مجهز به جهاد تبیین شوند.

۳- مغفول بودن الگوهاک عملی و شعارزدگی

دغدغه زنان فرزانه امروز، توسعه‌یافتگی است. زنان به‌عنوان اساسی‌ترین عناصر بنیادین جامعه، نقشی تعیین‌کننده در انگیزش‌ها، خیزش‌ها و شکل‌گیری شخصیت و رفتار جامعه خود دارند. کودکان در زمینه‌های تربیتی فراهم آمده توسط زن رشد می‌کنند، می‌آموزند و نقش‌های اجتماعی و فردی خود را بر می‌گزینند. به‌روز این نقش‌ها وابستگی بسیار نزدیکی با نقش مادری، همسری و تربیتی زن دارد. این نقش‌ها همواره با الگوبرداری و تقلیدپذیری همراه می‌شود. از این‌رو الگوبرداری و همانندسازی یکی از مهم‌ترین نیازهای رشدی، تربیتی انسان در طول دوره‌های رشد به خصوص دوران نوجوانی و جوانی است.

نقش الگوها در رشد و انسجام شخصیت انسان انکارناپذیر و یکی از ابزار مهم تربیتی است. انسان الگوتطلب و عناصر پیرامون او هم‌چون والدین، مربیان، شخصیت‌ها (هنری، ورزشی، علمی، فرهنگی، سیاسی و غیره) می‌توانند الگوی افراد در مراحل مختلف زندگی قرار بگیرند. این الگوها، نقش تربیتی

مهمی دارند، چرا که اگر ضعیف و دروغین بوده، یا دچار انحراف باشند نقش تخریبی غیر قابل جبرانی را در ساختار روانی و شکل‌گیری شخصیت انسان خواهند داشت. بسیاری از دانش‌آموزان اذعان داشتند که فارغ از باورهای درونی؛ صرفاً به دلیل ارتباط مؤثر و الگو قرار دادن فردی، احساس متفاوتی نسبت به حجاب کسب کرده‌اند. مشارکت‌کننده (۳) اذعان دارد: «اگر گاهی حجاب رو رعایت می‌کنم؛ فقط به خاطر مادر بزرگم هست؛ از مامانم به من نزدیک‌تره؛ احساس می‌کنم یک زن کامل و لذت می‌برم، وقتی پیششیم». و در نقطه مقابل چه بسا با متفاوت بودن گفتار و کردار، افراد زیادی که دغدغه حجاب را داشته‌اند، کاملاً از حجاب دور شدند. مشارکت‌کننده (۲) بیان دارد: «معاون پرورشی ما، خانم (ک)؛ با چادر میاد خب؛ کلی تو راهرو درباره حجاب چیزی چسبونده و اینها؛ بعد ایدی اینستاشو رو پیدا کردم؛ هم سرلخت بود، هم گریه داشت؛ ناز بود خیلی». هم‌چنین مشارکت‌کننده (۷) بیان دارد: «بازیگری که دوستش دارم؛ کشف حجاب کرد. دوستم برداشت شالشو؛ خاله کوچیکم، که خیلی دوستش دارم و برام عزیزه. پروفش رو سرلخت گذاشته و تو ماشین هم برمی‌داره».

یکی از مهم‌ترین آفات تعظیم شعائر، فراموشی روح و محتوا و اصل پنداشتن علامت‌ها و نشانه‌ها است. شعار بایستی به دنبال طریقت باشد، نه صرفاً خودش موضوعیت پیدا کند. برخی از مشارکت‌کنندگان نیز بیان داشتند که خسته از شعارهای بدون عمل از سوی خانواده، مدرسه و جامعه‌اند. تزویر و ریا در رفتارهای برخی افراد که سخنانشان همانند کردارشان نیست؛ موجب بدفهمی و ناامیدی را در مقوله حجاب برای نسل جوان و دانش‌آموزان ایجاد کرده است. مشارکت‌کننده (۵) بیان دارد: «واقعاً خسته شدم از این‌که همه فقط شعار میدن برای حجاب داشتن. اگر بی‌حجابی واقعاً بده؛ برای همس. نه من دختر دبیرستانی. بازیگر اون‌جور توستریال حرف از دین و نمیدونم حجاب می‌زد؛ فرداش رفت خارج. اون یکی مجریه همین‌جور، فرزند فلان مسئول کشور که هیچی دیگه، آدم خنگ نیس که، می‌فهمه. وقتی تو حجاب این‌جوره، بقیش که دیگه هیچی. حداقل من خودمم؛ خود واقعیم. نه مثل اونا».

بنابراین در مفهوم حجاب به‌عنوان یک واکنش رفتاری، اعتقادی و ارزشی؛ بحث وجود الگوهای عملی و پرهیز از شعارزدگی بسیار حائز اهمیت است. لذا ارائه الگوهای کامل و پویا و دوری از فضای دوگانگی از حیث تربیتی و انسانی اهمیتی به‌سزا در رشد صحیح روانی، رفتاری و شخصیتی انسان دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف واکاوی و فهم تجارب زیسته دانش‌آموزان مقطع متوسطه دختر از پدیده کشف حجاب در مسیر مدرسه انجام شد. برای این منظور تا رسیدن به اشباع نظری، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با پانزده تن از دانش‌آموزان انجام شد. پس از تجزیه و تحلیل و کدگذاری، مضامین ده‌گانه؛ اعتراض سیاسی، واکنش هیجانی و مقطعی، حجاب‌گزینشی، تسلیم‌گری صرف در برابر رسانه و فضای مجازی، تقلیل‌پذیری حجاب، عدم کارکرد و فاقد بارمعنایی حجاب، سلب آزادی ظاهری، جو خانوادگی و هم‌نوایی اجتماعی، ضعف اعتقادی، خودنمایی و به‌روز بودن احصاء شد.

هیچ مسئله اجتماعی را نمی‌توان به‌صورت تک‌علتی مورد بحث و ارزیابی قرار داد، ذات پدیده‌های اجتماعی چند بُعدی و چند علتی بودن آن است، که پدیده‌گرایش یا گریز از حجاب هم از این قاعده

مستثنی نیست. با بررسی فهم دانش‌آموزان از حدود حجاب می‌توان قضاوت‌های پوشیده آنان را رصد کرد و با شناخت افکارشان، علت رفتارهای احتمالی آنان را درک کرد. هم‌چنان که روشن شد، برداشت‌هایی متفاوت از حدود حجاب در میان دانش‌آموزان وجود دارد که آن را دارای ابعاد مختلف می‌دانند. در فهم دانش‌آموزان حدود حجاب فقط در پوشش خلاصه نمی‌شود؛ عفاف و حجاب در نگاه، گفتار و رفتار نیز مطرح است. هم‌چنین نتایج نشان می‌دهد که تجربه‌های گذشته سبب تعیین شاخص‌هایی از حدود حجاب در فهم افراد می‌شود، یعنی نحوه برخورد دیگران و پاداش و تنبیه‌هایی که افراد تجربه کرده‌اند در نوع پوشش آنان تأثیر می‌گذارد. بسیاری از مشارکت‌کنندگان اطلاق واژه حجاب‌گریزی در خصوص خود را، صحیح نمی‌دانستند؛ بلکه خود را موظف به حجاب شخصی یا به‌نحوی حجاب امروزی کرده بودند. حجابی که بارمعنایی و ظاهری آن، کاملاً دگرگون شده و تغییر کرده است.

تغییر بار معنایی و انعطاف‌پذیری سیال حجاب در نقطه مقابل معنای دینی آن قرار می‌گیرد. بدین‌صورت که دنیای ذهنی و درونی فرد، مورد دست‌کاری و تعدیل قرار گرفته و از آن پس معنای جدید و ماهیتی متفاوت به خود می‌گیرد. معنایی که به نوجوانان این اجازه را می‌دهد تا فارغ از اصول مذهبی، خانوادگی، فرهنگی و ملی خود چارچوب جدید و بدیلی برای حجاب تعریف کرده و در مطابقت با آن عمل کنند. این جهت‌گیری و خروج مفهومی حجاب از ماهیت دینی آن، اخیراً تشدید شده و در نگاه دانشجویان، اساتید و شخصیت‌های سیاسی نیز هویدا شده است. پایداری جامعه و سعادت آن در گرو تثبیت ارزش‌ها و بروز اهداف و آرمان‌ها است که با برنامه‌ریزی بلند مدت امکان‌پذیر است. حیات اجتماعی، ظرف مکانی تحقق سیاست‌های اجتماعی و فرهنگی است. سیاست‌ها همان‌گونه که محصول ارزش‌های جامعه هستند؛ در بستر اجتماعی اجرا و توسعه می‌یابند. توسعه الگوهای تقلیدی، فرد را علی‌رغم باور و ارزش‌های درونی، عملاً به تجدیدنظر در نظام ارزشی و هنجارهای خویش وادار می‌سازد (سعیدی رضوانی و غلامی، ۱۴۰۱).

بی‌اهمیت شدن حجاب و قلع مفهومی و معنایی آن در ذهن، به‌عنوان عامل درونی و ابراز اعتراض سیاسی، به‌عنوان عامل بیرونی از مهم‌ترین مؤلفه‌های کشف‌شده در پژوهش حاضر بوده است. رسانه‌های غربی اگرچه در گذشته به‌دنبال خروج حجاب از بار معنایی آن به سوی ابزارگرایی، محدودیت و حتی مدگرایی بوده است؛ امروزه تلقی گره‌زدن اعتراض سیاسی و اقتصادی با ارزش‌های معنوی هم‌چون حجاب، نیازمند حضور فعالانه و پررنگ دستگاه‌های اجرایی و فرهنگی است. در صورت عدم توجه به این موضوع، نظام اجتماعی شاهد پیامد تلخ، ضایع شدن منابع مادی و معنوی و مهم‌تر از همه از دست رفتن فرصت‌های موجود خواهد بود.

بایستی نقش تبیین و شفاف کردن در خصوص بدفهمی‌های رایج پدیده حجاب را مد نظر قرار داد. تبیین در موازات نقد منصفانه و مطالبه‌گری قرار می‌گیرد و مقدمه‌ای خواهد بود، برای اصلاح، تحول و مطالبه دقیق. از سوی دیگر، تبیین یکی از راهکارهای جذب حداکثری در برابر طرد و راندن کسانی است که احیاناً برداشت صحیحی از حقایق و جامعه ندارند و بر اثر تبلیغات و القائات دیگران، دچار تحلیل غلط از واقعیت‌ها می‌شوند. تغییر نسل می‌تواند موجب تغییراتی در میزان نگرش افراد به مقوله حجاب شود. شتاب اجتماعی را نه فقط در موسیقی بلکه در کنش و واکنش امروزی نوجوانان هم می‌توان به آسانی

مشاهده کرد. دریافت فهم دانش‌آموزان در خصوص حجاب، بیان‌گر تغییر نگرش نسل جدید است. توجه به فهم دانش‌آموزان و دریافت نگرش و گرایش آنان نسبت به مقوله حجاب، کمک شایانی در دستیابی به برنامه‌ریزی جامع در مورد این پدیده خواهد کرد.

با توجه به اهمیت دینی، هویتی و سیاسی که حجاب در جامعه ما دارد، درونی کردن باور، ارزش و هنجارهای حجاب بهترین راهکار به‌نظر می‌رسد. لازم است با هدف تقویت مبانی اعتقادی، ساختارهای فراشخصی چون هویت مذهبی از همان دوران کودکی تقویت شود. وقتی که افراد از سیاست‌های انتخاب شده، برداشت خوشایندی داشته باشند، در موضع دفاع از هویت و فرهنگ خودشان بر می‌آیند. چنانچه تعلق ذهنی فرد به خرده فرهنگی با رضایت‌مندی همراه باشد و فرد از این رهگذر به پاداش‌های روانی خوشایند و ارضاکنده‌ای دست یابد، رفته‌رفته از اقتضاهای این فرهنگ غالب حمایت خواهد کرد.

پیشنهادها

۱- برگزاری سلسله جلسات تبیین و فهم در خصوص رویدادها و چالش‌های روز جامعه در مدارس متوسطه. در این جلسات با ایجاد فضایی تعاملی و آکنده از فشار و تعصبات، می‌توان به روشن‌گری و تبیین مباحث پرداخت. این رویه می‌تواند، فهم وثیق حجاب را گسترش دهد و با هدایت صمیمانه موضوعات، تمایل برای پذیرش کاستی‌ها و تلاش برای تعالی بخشی را جایگزین مقاومت در برابر آن کند. استمرار این نشست‌ها موجب می‌شود که مدرسه از فضای فشار و اجبار و رویکرد مقابل در برابر دانش‌آموزان، به سوی درک متقابل، شنیده شدن صداهای ذی‌نفعان و حرکت در سمت درک و فهم نسل جوان و زنده شدن کارکرد اجتماعی خویش؛ تغییر کند. هم‌چنان که فریره^۱ (۱۹۹۶) مدرسه‌ای را که در بطن خود را بر واقعیت‌های اجتماعی بسته است؛ را ویرانه‌ای می‌خواند. این امر نیازمند سیاست‌گذاری کلان در حوزه معاونت پرورشی و زرات آموزش و پرورش و نیازسنجی در فرایند و اجرا خواهد بود.

۲- معلمی در کنار تخصص و دانش، فعالیتی هنری و مبتنی بر عشق است؛ به عبارتی هنر معلمی توأم با محبت‌ورزی ریشه در ذات و قریحه و شخصیت افراد دارد. این امر بایستی به‌عنوان یک فرایند در جامعه معلمان و دبیران نهادینه شود و باورهای معلمان، به‌ویژه در مقطع متوسطه صرفاً بر فرایند تدریس موضوعی و محتوای درسی خلاصه نشود؛ بلکه جامعیت معلم، از کلام تا رفتار، که مورد توجه همگان، به‌ویژه ذی‌نفعان است؛ ملاحظه شود. بنابراین نیاز است که با اصلاح فرایندهای ارزش‌یابی عملکرد معلمان؛ تمامی خصوصیات و ویژگی‌های آنان به‌ویژه در ظاهر مورد توجه قرار گیرد. تا با ترویج الگوپذیری، مبتنی بر روابط مربی و متربی، شاهد اصلاح روند ارزش‌ها و باورها در دانش‌آموزان باشیم.

۳- بازنگری و اصلاح فرایند امر به معروف و نهادهای مرتبط با گسترش عفاف و حجاب در جامعه. بدون شک اقدامات هیجانی و مقطعی در خصوص نگرانی چالش‌ها و مسائل موجود در جامعه و هم‌چنین اقدامات سلیقه‌ای، می‌تواند بسیاری از اذهان عمومی به‌ویژه نسل جوان را خدشه‌دار، و محفلی را برای سوءاستفاده برخی افراد باز کند. از این‌رو بازنگری و اصلاح در خصوص فرایندهای امر به معروف و

نهادهای نظارتی بایستی کاملاً دگرگون شده و متناسب با اقتضائات جامعه و نسل جوان و علائق آن؛ انجام پذیرد. این امر نیازمند نگاه ویژه در شورای عالی انقلاب فرهنگی و هم‌چنین مجلس شورای اسلامی به مقوله جوان و حجاب است.

۴- بهره‌گیری از ظرفیت‌های اثربخش در خصوص اشاعه فرهنگ حجاب و عفاف. وجود رسانه و فضای مجازی در خصوص اثربخشی در باورها و ارزش‌ها و جهت‌گیری‌های نسل جوان؛ غیرقابل چشم‌پوشی است. مورد توجه است، ضمن عدم محدودیت در این خصوص و چشم‌پوشی از آن، با تولید محتوای فرهنگی و اقدامات رسانه‌ای اثربخش، به فعال کردن این ظرفیت و پتانسیل خاموش؛ قوت و نیرو بخشید.

تشکر و قدردانی



در پایان از کلیه صاحب‌نظران و خبرگان و دانش‌آموزان که پژوهش‌گر را در انجام این پژوهش یارک کردند،

تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

منابع

- احمدپور، علی (۱۴۰۱). پیش‌بینی‌پذیری پایبندی به حجاب اسلامی براساس اعتقادات مذهبی و استفاده از فضای مجازی (مطالعه موردی: دانش آموزان دختر مقطع دبیرستان شهر ماکو). *اسلام و علوم اجتماعی*. ۱۴(۲۷)، ۱۸۳-۱۹۷. <https://doi.org/10.30471/soci.2022.7707.1674>
- امینی زرین، علی‌رضا، و ربانی، زهرا (۱۴۰۲). آسیب‌شناسی آموزش و نهادینه‌سازی سازی مفهوم حجاب و عفاف در دوره ابتدایی. *فصلنامه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۸(۲): آماده به انتشار. <http://qaie.ir/article-1-977-fa.html>
- پورحسن درزی، فاطمه (۱۳۹۹). جریان‌شناسی فرهنگی زنان فارغ التحصیل از مدارس دخترانه غربی در ایران دوران قاجار و پهلوی اول مؤثر در کشف حجاب. *پژوهش در آموزش تاریخ*. ۱۱(۲)، ۸۳-۱۱۱. https://historyedu.cfu.ac.ir/article_1262.html
- حکمت، کامران و فولاد چنگ، محبوبه (۱۳۹۹). تأثیر آموزش طرح امید (مدیریت مهارت و دانش رفتار) بر خودکنترلی زنان دستگیرشده با مسئله حجاب: مطالعه موردی دستگیرشدگان با جرائم بدحجابی در دادگستری فارس. *زن و جامعه (جامعه‌شناسی زنان)*. ۱۱(۴)، ۱۳۹-۱۶۰. https://jzvj.marvdasht.iau.ir/article_4494.html
- دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۹۰). سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی (شورای عالی انقلاب فرهنگی).
- درزی، مهرانه؛ جعفری هرنیدی، محمد و موسوی، محمدصادق (۱۳۹۸). تأثیر عرف بر احکام حجاب و پوشش زنان مسلمان. *پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی (فقه و مبانی حقوق اسلامی)*. ۱۵(۵۵)، ۷۵-۹۶. <https://doi.org/10.22034/ijrj.2019.665202>
- دشتی، سعید؛ معینی، بابک؛ شهرآبادی، رضا؛ بیرانوندپور، نوشین؛ وجدانی آرام، فاطمه؛ فردمال، جواد و مطهری‌پور، مرتضی (۱۳۹۵). بررسی رابطه سلامت معنوی با نگرش دانشجویان دختر دانشگاه علوم پزشکی همدان در مورد حجاب. *دین و سلامت*. ۴(۱)، ۲۱-۲۸. https://jrh.mazums.ac.ir/browse.php?a_id=301&sid=1&slc_lang=fa
- زارعی توپخانه، محمد؛ مرادیانی گیزه رود، سیده خدیجه و هراتیان، عباسعلی (۱۳۹۳). رابطه بین متغیرهای پایبندی به حجاب، تصور از خود و سلامت روان. *روان‌شناسی و دین*. ۷(۲۷)، ۸۱-۹۲. <https://ravanshenasi.nashriyat.ir/node/277>
- زاهدیان، محمدحسین و صدری ارحامی، محمد (۱۳۹۹). بررسی جایگاه حجاب در حقوق بشر از دیدگاه نظریه جهان‌شمولی و نسبی‌گرایی. *فرهنگی تربیتی زنان و خانواده*. ۱۵(۵۲)، ۸۹-۱۰۵. https://cwfs.ihu.ac.ir/article_205689.html
- زهروی، رضا (۱۳۹۹). مرز اخلاق و حقوق؛ نقدی بر نظریه «نفی ورود حقوق به گستره حجاب» (مطالعه تطبیقی اسلام، ایران و اروپا). *پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*. ۲۰(۱۱)، ۲۷۷-۳۰۱.
- سالاری‌فر، محمدرضا؛ بیاتی، مهدی و سالاری‌پور، حسن (۱۳۹۶). مدل نظری آسیب‌شناسی تربیت عفاف و حجاب در ایران. *تربیت اسلامی*. ۱۲(۲۵)، ۹۵-۱۱۷. <https://doi.org/10.30465/crtls.2020.33680.2047>
- سعیدی رضوانی، محمود و غلامی، فاطمه (۱۴۰۱). ارزیابی برنامه تربیتی پدیدهٔ اربعین بر پایهٔ تجارب زیستهٔ زائران. *دین و ارتباطات (دانشگاه امام صادق/ نامه صادق)*. ۲۹(۶۲)، ۱۹۰-۱۵۳. <https://doi.org/10.30471/edu.2017.1347>

سعیدی رضوانی، محمود و فاطمه، غلامی (۱۴۰۰). آینده زیست اخلاقی ایرانیان در پرتو عرفی شدن و سکوت: (تحلیل واکنش دانشجویان در مواجهه با امر حجاب در گروه مجازی). *تربیتی زنان و خانواده*. ۵۶(۱۶)، ۱۲۷-۹۳

<https://profdoc.um.ac.ir/paper-abstract-1091396.html>

سعیدی رضوانی، محمود و غلامی، فاطمه (۱۴۰۱). کاربرد داستان برای آموزش حجاب به دختران دوره ابتدایی: مطالعه ارزیابانه کیفی. *فصلنامه مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، ۷(۴): ۵۷-۳۳

<https://doi.org/10.30497/rc.2022.76522>

سلمان پور، مریم (۱۴۰۰). مطالعه تأثیر سبک زندگی و سواد رسانه‌ای بر گرایش دانش آموزان به ارزش‌های دینی و فرهنگ عفاف و حجاب. *پژوهش‌های کاربردی در مدیریت و علوم انسانی*. ۲(۴)، ۳۵-۲۹

<https://j.armh.ir/wp-content/uploads/2022/05/2.pdf>

شاه‌سنایی، احمدرضا و طباطبایی، کاظم (۱۳۹۶). بررسی نظریه حجاب حداقلی درباره وضعیت پوشش در عصر جاهلیت و صدر اسلام. *پژوهش‌های تاریخی (مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان)*. ۵۳(۳۴)، ۸۹-۱۰۴

<https://doi.org/10.22108/jhr.2017.21777>

ظهیری‌نیا، مصطفی؛ رستگار، یاسر و پاشا امیری، مسعود (۱۳۹۷). دلالت‌های معنایی حجاب در میان زنان و دختران جوان بندرعباس. *راهبرد فرهنگ*. ۱۱(۴۳)، ۱۲۳-۱۵۳

<https://doi.org/10.22034/jsfc.2018.88856>

عسگری یزدی، علی و موسوی، علی‌محمد (۱۳۹۹). بررسی تحلیلی حجاب در جمهوری اسلامی ایران. *پژوهش‌های معاصر انقلاب اسلامی*. ۳(۷)، ۱۷-۳۶

<https://doi.org/20.1001.1.26767368.2021.3.7.2.2>

کاییدی، اعظم؛ نصر، احمدرضا؛ شریفیان، فریدون و موسوی‌پور، سعید (۱۴۰۱). واکاوی چالش‌های اساسی آموزش روش تحقیق در رشته‌های علوم تربیتی و روان‌شناسی. *برنامه درسی آموزش عالی*. ۴(۲)، ۴۶-۷۸

https://www.icsajournal.ir/article_165492.html

کریمی‌ثانی، پرویز و کاظم‌پور دیزجی، الهه (۱۴۰۰). رابطه بین میزان استفاده از رسانه، سلامت اجتماعی و نگرش به حجاب در بین دانش آموزان تبریز. *علوم اجتماعی*. ۱۵(۳)، ۵۱-۶۳

<https://sanad.iau.ir/fa/Article/610594>

کلانتری، اسماعیل و تقدسی فاطمه (۱۴۰۰). اندازه‌گیری و مقایسه نگرش به حجاب و هوش معنوی در بین دانشجویان متأهل و مجرد (مطالعه موردی: مؤسسه آموزش عالی فاطمیه (س) شیراز). *پژوهش‌های میان رشته‌ای زنان*. ۵(۴)، ۴۱-۶۷

<https://rimag.ricest.ac.ir/fa/Article/31864>

محمودی یگانه، ماریه (۱۳۹۹). عفاف و حجاب از دیدگاه آیات قرآن و احادیث. *علوم اسلامی انسانی*. ۶(۲۳)، ۳۴-۴۳

<http://johi.ir/afile/php30OUWP.pdf>

مختارنیا، ایرج؛ زاده‌محمدی، علی؛ پناغی، لیلا و چراغی، مونا (۱۴۰۰). تعارضات عمده نوجوانان ایرانی با والدین در پاندمی کووید ۱۹. *خانواده پژوهی*. ۱۷(۶۷)، ۳۸۵-۴۰۶

<https://doi.org/10.52547/JFR.17.3.385>

مهدوی، محمد و سیدشرافت، الهه (۱۳۹۷). تحلیل نوع نگرش‌ها به فرهنگ حجاب و عفاف در ورزش بانوان (مطالعه موردی: بانوان ورزشکار استان آذربایجان شرقی). *زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)*. ۱۰(۲)، ۱۹۷-۲۱۴

<https://doi.org/10.22059/jwica.2018.255483.1055>

میرجلیلی، کاظم و گل‌محمد، محمدتقی (۱۳۹۸). بررسی و نقد تبیین و تفسیر آیات حجاب از دیدگاه صحابه رسول اکرم (ص). *پژوهش‌های تفسیر تطبیقی*. ۴(۹)، ۱۹۵-۲۱۸

<https://doi.org/10.22091/ptt.2019.4090.1515>

نعمتی‌فر، نصرالله و صفوراایی پاریزی، محمدمهدی (۱۳۹۸). بررسی تأثیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر حجاب و پوشش کاربران با تأکید بر ابعاد دین‌داری (مورد مطالعه: کاربران زن شبکه اجتماعی اینستاگرام). دین و ارتباطات. ۲۶(۵۵)، ۳۳۵-۳۶۲.

هاشمیان، سیدمحمدحسین (۱۴۰۰). بازنمایی تغییرات اجتماعی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. اسلام و مطالعات اجتماعی. ۹(۳)، ۱۴۰-۱۷۲. <https://doi.org/10.22081/jiss.2022.60827.1802>

References

- Ahmadpour, A. (2022). Predictability of the Relationship between Religious Beliefs and the Use of Cyberspace with Adherence to the Islamic Hijab (Case Study: Female Students in Mako High School). *Journal of Islam and Social Sciences*, 14(27), 183-197. <https://doi.org/10.30471/soci.2022.7707.1674>[In Persian].
- Amini Zarin, A., & Rabbani, Z. (2023). Pathology of teaching methods of religious concepts with emphasis on the concept of hijab and chastity in schools. *qaiie*. 8(2).<http://qaiie.ir/article-1-977-fa.html>[In Persian].
- Aruan, D. T. H., & Wirdania, I. (2020). You are what you wear: examining the multidimensionality of religiosity and its influence on attitudes and intention to buy Muslim fashion clothing. *Journal of Fashion Marketing and Management: An International Journal*. 24(1), 121-136. <https://doi.org/10.1108/JFMM-04-2019-0069>
- Asgariyazdi, A., & Musavi, S. A. M. (2021). Analytical Study of Hijab in The Islamic Republic of Iran. *Journal of Contemporary Research on Islamic Revolution*, 3(7), 17-36. <https://doi.org/20.1001.1.26767368.2021.3.7.2.2>[In Persian].
- Blaagaard, B. (2019). Picturing the Political: Embodied Visuality of Protest Imagery. In A. Veneti, D. Jackson, & D. Lilleker (Eds.), *Visual Political Communication* (pp. 247-264). Palgrave Macmillan.http://dx.doi.org/10.1007/978-3-030-18729-3_13
- Croucher, S. M. (2008). French-Muslims and the hijab: An analysis of identity and the Islamic veil in France. *Journal of Intercultural Communication Research*. 37(3), 199-213.<https://doi.org/10.1080/17475750903135408>
- Darzi, M., Jafari Harandi, M., & Mousavi, M. S. (2019). The Effect of Conveniences on the Provisions of Hijab and Muslim Women's Veil. *Islamic Law & Jurisprudence Researches*, 15(55), 75-96. <https://doi.org/10.22034/ijrj.2019.665202>[In Persian].
- Dashti, S., Moeini, B., Shahrabadi, R., Biranvandpour, N., Vejdani Aram, F., Faradmal, J., & Motaharipour, M. (2016). A Study on the Relationship between Spiritual Health and Attitudes towards Women's Dress Code among Female Students of Hamadan University of Medical Sciences. *Journal of Religion and Health*. 4 (1):21-28. <http://jrh.mazums.ac.ir/article-1-301-fa.html>[In Persian].
- Fani, M., Mohtashami, J., Karamkhani, M., & Abdoljabbari, M. (2020). Confrontation process of students with hijab. *Journal of religion and health*. 59(1), 204-222. <https://doi.org/10.1007/s10943-018-0712-1>
- Freire, P. (1996). Pedagogy of the oppressed(revised). *New York: Continuum*. 356, 357-358.

- Grine, F., & Saeed, M. (2017). Is Hijab a fashion statement? A study of Malaysian Muslim women. *Journal of Islamic Marketing*, 8(3), 430-443. <https://doi.org/10.1108/jima-04-2015-0029>
- Hashemian, S. M. H. (2021). An Examination of Social Changes in the Fundamental Reform Document of Education. *Journal of Islam and Social Studies*, 9(35), 138-172. <https://doi.org/10.22081/jiss.2022.60827.1802>[In Persian].
- Hekmat, K., & Fouladchang, M. (2021). The Impact of "Behavioral Skills and Knowledge Management" Training on Self-Control of Moral Crime Arrestees. *Quarterly Journal of Woman and Society*, 11(44), 139-160. https://jzvj.marvdasht.iau.ir/article_4494.html?lang=en[In Persian].
- Hopkins, N., & Greenwood, R. M. (2013). Hijab, visibility and the performance of identity. *European Journal of Social Psychology*, 43(5), 438-447. <https://doi.org/10.1002/ejsp.1955>
- Hwang, C., & Kim, T. H. (2021). Muslim women's purchasing behaviors toward modest activewear in the United States. *Clothing and Textiles Research Journal*, 39(3), 175-189. <https://doi.org/10.1177/0887302X20926>
- Kaedi, A., nasr, A., Sharifian, F., & Moosavipour, S. (2023). Exploring main challenges of teaching research methodology in education and psychology. *Journal of higher education curriculum studies*, 14(27), 7-41. https://www.icsajournal.ir/article_165492.html?lang=en [In Persian].
- Kalantari, E., & Taghadosi, F. (2022). Measuring and Comparing Attitudes toward Hijab and Spiritual Intelligence among Married and Single Students (Case Study: Fatemeh Higher Education Institute, Shiraz). *Women's interdisciplinary research*, 5(4), 67-41. <https://rimag.ricest.ac.ir/en/Article/31864>[In Persian].
- Karaman, N., & Christian, M. (2020). "My hijab is like my skin color": Muslim women students, racialization, and intersectionality. *Sociology of Race and Ethnicity*, 6(4), 517-532. <http://dx.doi.org/10.1177/2332649220903740>
- Karimithani, P., & Kazempour Dizji, E. (2020). The relationship between the amount of media use, social health and attitude towards hijab among Tabriz students. *social Sciences*, 15(3), 63-51. <https://sanad.iau.ir/fa/Article/610594>[In Persian].
- Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic inquiry*. Newberry Park.
- Mahdavi, M., & Sayed Sherafat, E. (2018). Analysis of Attitudes towards Hijab and Chastity Culture in Women's Sports (Case Study: Athletic Ladies in East Azarbayjan Province). *Journal of Woman in Culture and Arts*, 10(2), 197-214. <https://doi.org/10.22059/jwica.2018.255483.1055>[In Persian].
- Mahmoudi Yeganeh, M. (2019). Chastity and hijab from the point of view of Quranic verses and hadiths. *Islamic human sciences*, 6(23), 34-43. <http://johi.ir/afile/php30OUWP.pdf>[In Persian].
- Mir Jalili, S. K., & Gol Mohammad, M. T. (2019). Critical Analysis and Exegesis of the Verses on Hijab from the Viewpoint of Companions of the Prophet. *Comparative Interpretation Research*, 5(1), 197-220. <https://doi.org/10.22091/ptt.2019.4090.1515> [In Persian].
- Mokhtarnai, I., Zadeh Mohammadi, A., panaghi, L., & Cheraghi, M. (2021). Major Conflicts of Adolescents With Parents During the COVID-19 Pandemic in Iran. *Journal of Family Research*, 17(3), 385-406. <https://doi.org/10.52547/JFR.17.3.385>[In Persian].

- Nematifar, N., & Saforaei Parisi, M. M. (2018). Investigating the effect of using social networks on hijab and veiling of users with an emphasis on religiosity dimensions (case study: female users of Instagram social network). *Religion and communication*. 26(55), 335-362. [In Persian].
- Nozimova, S. (2016). Hijab in a Changing Tajik Society. *Central Asian Affairs*. 3(2), 95-116. <https://doi.org/10.1163/22142290-00302001>
- Pourhasan Darzi, F. (2019). Cultural flow analysis of women who graduated from western girls' schools in Iran during the Qajar and Pahlavi eras that were effective in discovering hijab. *Research in History Education*, 1(2), 83-112. https://historyedu.cfu.ac.ir/article_1262.html?lang=fa[In Persian].
- Rastegar, Y., Zahirinia, M., & Pasha Amiri, M. (2018). Semantic implications of hijab among young women and girls in Bandar Abbas. *Culture strategy*, 11(43), 123-153. <https://doi.org/10.22034/jsfc.2018.88856>[In Persian].
- Robinson, R. S. (2016). Hijab in the American workplace: Visibility and discrimination. *Culture and religion*. 17(3), 332-351. <http://dx.doi.org/10.1080/14755610.2016.1211543>
- Saeedy rezvani, M., & Gholami, F. (2022). Evaluation of the educational program of Arbaeen phenomenon based on the lived experiences of pilgrims. *Religion & Communication*, 29(2), 190-153. <https://doi.org/10.30497/rc.2022.7652>[In Persian].
- Saidi Rizvani, M., & Fatemeh, Gh. (2020). The bio-ethical future of Iranians in the light of secularization and silence: (Analysis of students' reactions when faced with the issue of hijab in a virtual group). *Education of women and family*. 56(16), 93-127. <https://profdoc.um.ac.ir/paper-abstract-1091396.html>[In Persian].
- Salari-far, M. R., bayati, M., & salaripour, H. (2017). The Theoretical Model for Pathology of Teaching Modesty and Hijab in Iran. *Journal of Islamic Education*, 12(25), 95-117. <https://doi.org/10.30471/edu.2017.1347>[In Persian].
- Salmanpour, M. (2020). Studying the effect of lifestyle and media literacy on students' tendency towards religious values and the culture of chastity and hijab. *Applied researches in management and humanities*. 2(4), 29-35. <https://j.armh.ir/wp-content/uploads/2022/05/2.pdf>[In Persian].
- Secretariat of the Supreme Council of Education. (2013). Document of the fundamental transformation of education. Secretariat of the Supreme Council of Cultural Revolution (Supreme Council of Cultural Revolution). [In Persian].
- Shahsanaiee, M., & Tabatabaie, M. K. (2017). Investigating the Theory of Minimal Hijab about Coverage in the Age of Ignorance and the Early Islam. *Historical Researches*, 9(2), 89-104. <https://doi.org/10.22108/jhr.2017.21777>[In Persian].
- Thimm, V. (2018). Embodying and consuming modernity on Muslim pilgrimage: gendered shopping and clothing practices by Malaysian women on "umrah and ziarah Dubai". *Asian Anthropology*. 17(3), 185-203. <http://dx.doi.org/10.1080/1683478X.2018.1483477>
- Zahedian, M., & Sadri Arhami, M. (2020). Investigating the place of hijab in human rights from the perspective of the theory of universality and relativism. *The Women and Families Cultural-Educational*, 15(52), 89-105. https://cwfs.ihu.ac.ir/article_205689.html?lang=en[In Persian].

- Zahravi, R. (2021). Border of Ethics and Law: A Critique of the Theory of “Denying the Entry of Law into the Scope of the Veil” (Comparative Study of Islam, Iran, and Europe). *Pizhuhish nāmah-i intiqādī-i mutūn va barnāmah hā-yi ‘ulūm-i insāni (Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences)*, 20(11), 263-288. <https://doi.org/10.30465/crtls.2020.33680.2047>[In Persian].
- Zarei Topkhaneh, M., Moradiani Gizehroud, S. Kh., & Heratian, A. (2013). The relationship between variables of adherence to hijab, self-concept and mental health. *Psychology and religion*. 7(27), 81-92. <https://ravanshenasi.nashriyat.ir/node/277>[In Persian].

